نخستین و دومین تصحیح شاهنامه از سدهٔ هشتم و نهم هجری

(شاهنامهٔ مستوفی ـ شاهنامهٔ بایسنغری)

جلال متینی*
(مریلند)

چکیده: در مطالعات شاهنامه‌پژوهی از دو شاهنامهٔ حمداللّه مستوفی و بایسنغری کمتر به عنوان تصحیح شاهنامهٔ فردوسی نام برده شده است و مصحّحان معاصر نیز آنها را معتبر ندانسته‌اند. زیرا در این دو، اساس کار مصحّح معرفی نشده و نسخه‌بدل‌ها ذکر نگردیده است.

در مقالهٔ حاضر به معرفی مختصر این دو شاهنامه پرداخته می‌شود و حدود ارزش آنها در مطالعات مربوط به شاهنامهٔ فردوسی تعیین می‌گردد. بر اساس آنچه از دیباچهٔ این دو شاهنامه برمی‌آید این دو مصحّح نسخه‌های متعددی از شاهنامه را در اختیار داشته‌اند.

نگارنده سه بخش کوتاه از این دو شاهنامه را، از مقدمه، آغاز داستان رستم و سهراب و آغاز داستان رستم و اسفندیار استنساخ کرده و آنها را با شاهنامهٔ تصحیح دکتر جلال خالقی مطلق مقابله نموده و موارد اختلاف را نشان داده است. سپس موارد مطابقت ضبط این دو شاهنامه را با نسخه‌بدل‌های ارائه شده در تصحیح خالقی مطلق یافته و به این نتیجه رسیده است که این دو شاهنامه بیشتر با ضبط نسخهٔ بریتانیا (۶۷۵ق)، طوپقاپوسرای (۷۳۱ق) و لنینگراد (۷۳۳ق) مطابقت دارند. بنابراین، این دو مصحّح به این نسخه‌ها یا مادر نسخه‌های آنها دسترسی داشته‌اند.

کلید واژه: شاهنامه‌پژوهی؛ شاهنامه؛ حمداللّه مستوفی؛ شاهنامهٔ بایسنغری؛ تصحیح؛ نسخه‌بدل؛ خالقی مطلق؛ نسخه‌های شاهنامه؛ مادر نسخه.

مقدمه

پژوهشگران شاهنامهٔ فردوسی اعم از ایرانی و خارجی در این موضوع اتفاق نظر دارند که تصحیح شاهنامه بر اساس نسخه‌های خطی کهن در قرن نوزدهم و در فاصلهٔ سال‌های ۱۸۱۱م/۱۱۹۰ش تا ۱۸۸۳م/۱۲۶۲ش به دست چهار تن از دانشمندان خارجی انجام شده است. بدین شرح که نخست مثیو لامسدن (Mathew Lumsden) در هندوستان با مقابلهٔ چند نسخهٔ شاهنامه که قدیمی‌ترین آنها مورَّخ به سال ۸۲۱ و ۸۲۲ق بود به‌تهیهٔ متنی دست زد و جلد اول آن را در ۱۸۱۱م/۱۱۹۰ش منتشر کرد. بعد تِرنِر مَکَن (Turner Macan) انگلیسی دنبالهٔ کار او را در هندوستان گرفت و چاپ کامل شاهنامه را در چهار جلد و بر اساس ۱۷ نسخهٔ کامل و ۴ نسخهٔ ناقص شاهنامه منتشر ساخت. نُه سال بعد ژول مُل (Jules Mohl) فرانسوی چاپ تازه‌ای از شاهنامه را با ترجمهٔ آن به‌زبان فرانسه، بر اساس ۳۵ نسخه آغاز کرد و آن را در ۱۸۷۸م در هفت جلد به‌طبع رسانید. اندکی پیش از پایان چاپ مُل، یوهان فولرس (Joannes A. Vullers) آلمانی به‌طبع جدیدی از شاهنامه بر اساس طبع مَکَن و مُل پرداخت و اختلاف آن دو چاپ را در حواشی ضبط نمود. سه جلد از این متن در میان سال‌های ۱۸۷۷م/۱۲۵۶ش تا ۱۸۸۳م/۱۲۶۲ش منتشر گردید. توضیح آنکه هیچ‌یک از این چاپ‌ها شامل نسخه‌بدل‌ها نیست و به قول استاد یارشاطر «از این رو خواننده کاملاً متکی به تشخیص مصحح است و راهی برای استنباط شخصی بر او گشوده نیست».[1]

حقیقت آن است که در ایران، چند قرن پیش از اروپائیان، تصحیح شاهنامه بر اساس نسخه‌های کهن آغاز شده بود. نخستین تصحیح شاهنامه به توسط

---

* دکترای زبان و ادبیات فارسی؛ استاد پیشین دانشگاه فردوسی ـ مشهد.

[1] یارشاطر، ۱۳۶۹: یازده ـ هیجده.

حمدالله مستوفی در تبریز و در فاصله سال‌های ۷۱۴ تا ۷۲۰ق/۱۳۱۴ تا ۱۳۲۰م انجام پذیرفته است، و دومین تصحیح که به شاهنامهٔ بایسنغری معروف است در هرات میان سال‌های ۸۲۹ تا ۸۳۳ ق/ ۱۴۲۵ تا ۱۴۲۹م. ولی به‌علت آنکه از شاهنامهٔ مستوفی فقط دو نسخهٔ خطی و از شاهنامهٔ بایسنغری یک نسخه موجود است، در مطالعات شاهنامه‌پژوهی کسی از این دو نسخه به‌عنوان «تصحیح شاهنامه» نام نبرده است. در این دو تصحیح به‌مانند کار اروپاییان نسخهٔ اساس کار مصحح معرفی نشده و نسخه‌بدل‌ها نیز ذکر نگردیده است. ولی این دو تصحیح از دو نظر بر کار پُر ارج مصححان خارجی برتری دارد. نخست از نظر فضل تقدم به‌مدت چهار پنج قرن، و دیگر از آن جهت که مصححان شاهنامهٔ مستوفی و شاهنامهٔ بایسنغری ایرانی و فارسی‌زبان و افرادی فاضل بوده‌اند و بدین سبب به دقایق زبان و شعر فارسی به‌مراتب بیش از خارجیان آشنایی داشته‌اند.

اکنون به اختصار به معرفی شاهنامه‌های مستوفی و بایسنغری می‌پردازم.

۱. شاهنامهٔ مستوفی

حمدالله مستوفی، مورّخ، جغرافیدان و شاعر پُرکار اواخر دوران ایلخانان مغول اهل قزوین بود و در دستگاه خواجه رشیدالدین فضل‌الله (وزیر غازان‌خان و الجایتو) و سپس در دستگاه پسر وی غیاث‌الدین محمد (وزیر ابوسعید بهادرخان) به خدمات دیوانی اشتغال داشت. تاریخ تولد و وفات او روشن نیست، ولی به قرائنی تولدش در حدود سال ۶۸۰ و درگذشتش بعد از سال ۷۴۴ ق بوده است. از آثار اوست تاریخ گزیده، نزهت القلوب ــ از مراجع و متون معتبر تاریخ و جغرافیا به زبان فارسی ــ و نیز تاریخ منظوم به نام ظفرنامه شامل هفتاد و پنج هزار بیت در بحر متقارب که به تقلید از شاهنامهٔ فردوسی سروده و مشتمل است بر تاریخ ایران از سقوط ساسانیان تا حوادث سال ۷۳۶. آخرین اثر وی «ذیلی» است که بر ظفرنامه نوشته و در آن اخبار تاریخی را از سال ۷۳۶ تا ۷۴۴ق آورده و نیز اطلاعات قابل توجهی دربارهٔ زندگی خود به‌دستداده است.

حمدالله مستوفی پیش از آنکه به نظم ظفرنامه و تألیف تاریخ گزیده و نزهت القلوب بپردازد مدت شش سال به تصحیح شاهنامهٔ فردوسی مشغول بوده است و نسخه‌ای از آن فراهم ساخته که حائز اهمیت بسیار است. حداقل از این نظر که وی قریب پنج قرن پیش از آنکه اروپائیان ــ از آغاز قرن نوزدهم به بعد ــ به تصحیح شاهنامه بر اساس نسخه‌های خطی مختلف بپردازند، به‌آشفتگی نسخه‌های شاهنامه در دوران حیاتش پی برده و به تصحیح آن بر اساس نسخه‌های متعددی دست زده و شاهنامه‌ای از خود به یادگار گذاشته است که امروز فقط دو نسخه از آن موجود است. این هر دو نسخه در حاشیهٔ کتاب ظفرنامهٔ وی کتابت شده است. یکی از این دو نسخه مکتوب به سال ۸۰۷ است و در کتابخانهٔ بریتانیا به نشانهٔ Or. 2833 محفوظ است که به چاپ عکسی هم رسیده است[۲] و دیگری مکتوب به‌سال ۸۰۸ که به شمارهٔ 2042 درموزهٔ آثار اسلامی و ترک استانبول موجود است.

نویسندهٔ این سطور، تنها به معرفی شاهنامهٔ تصحیح مستوفی و تعیین حدود ارزش آن در مطالعات مربوط به شاهنامهٔ فردوسی می‌پردازد. مستوفی در مقدمهٔ ظفرنامه آنجا که از نثر و نظم و تفاوت آن دو سخن به میان آورده، به‌علاقهٔ خود به خواندن کتاب نیز اشاره کرده و آنگاه به شاهنامه پرداخته است:

بُدی میل طبعم به سوی کتاب   نمودی تأمّل ز هر فصل و باب
به خواندن دل و جان برافروختی   همی وام دانندگی توختی
چنین تا ز شهنامه شد بهره‌مند   ندیدم بر آن گونه شعری بلند
به صورت شده عین ماء معین   به معنی شده محض درّ ثمین
به صورت حکایات آن دلگشای   به معنی روایات آن جانفزای
به صورت به خواندن همه دلپسند   به‌معنی به‌دانش همه سودمند...
ولیکن تبه گشته از روزگار   چو تخلیط رفته در او بی‌شمار
ز سهو نویسندگان سر به سر   شده کار آن نامه زیر و زبر
ز دست بدان نیک شوریده حال   گذشته بر آن نامه بسیار سال
نبوده کسی را به تنقیح آن   هوایی شده نامه شوریده زآن
سخن‌های او را شنیدم نخست   به‌قولی صحیح و به‌لفظی درست
که بودش عدد شصت باره هزار   همه بیت‌ها چون در شاهوار
در آن نسخه‌ها اندرین روزگار   کمابیش پنجاه دیدم شمار
در آن بیت بد بود هم ریخته   شبه‌وار با دُر بر آمیخته
چو دیدم بسی نسخه‌های چنین   از آن نامه گشتم دل اندوهگین
که فردوسی اندر سخن گستری   برافراشت رایات شعر دری
مروّت ندیدم که آن داستان   کژی یابد از جهل ناراستان
ز بهر روانش در این کار جهد   نمودم بر آن بست توفیق عهد
بسی دفتر شاهنامه به کف   گرفتم ز دانش چو دُر از صدف
برون آوریدم یکی زآن میان   درو شد سخن‌ها لطیف و عیان
به شش بار بیور سخن شد پدید   که در اول آن بر سخن گسترید

---

[۲] مستوفی، ۱۳۷۷. مطالب مذکور در پاراگراف‌های اول و دوم برگرفته از «پیشگفتار» (ص: یک ــ سه) نوشتهٔ دکتر رستگار است.

درین کارشش سال گشت اسپری — که درّی شد آن پاک درّ دری
چو گشت از مقابل سخن‌ها تمام — به تجدید شد نظم آن با نظام
کشیدیم در سلک کتبت ورا — در آن تازه‌شد بار رتبت ورا
بیفزود آن نامه را رنگ و بوی — به نقلش مهان را فزود آرزوی
بدیدند یکبارگی دوستان — که از من برافروخت آن بوستان[۳]

در ابیاتی که مستوفی دربارهٔ شاهنامهٔ فردوسی سروده یک موضوع کاملاً روشن است و آن این است که شاهنامهٔ فردوسی تا روزگار وی به‌سبب «سهو نویسندگان» و «تخلیط» بی‌شمار دگرگون شده بوده است. به طوری که در آن ابیات خوب و بد درکنار هم قرار گرفته بودند. پس او در صدد بر می‌آید که با توجه به نسخه‌های موجود شاهنامه شاهنامه‌ای منقّح در اختیار علاقه‌مندان قرار بدهد. سؤال این است که وی برای این کار چند نسخه از شاهنامه در اختیار داشته است؟ او در یک بیت به لفظ «نسخه‌ها» اشاره کرده است و در بیت دیگر به «بسی دفتر شاهنامه» و در مصرع دوم همان بیتی که به «نسخه‌ها» اشاره کرده عدد «پنجاه» را نیز آورده است («کما بیش پنجاه دیدم شمار»). آیا «پنجاه» توضیحی است دقیق برای تعداد «نسخه‌ها» و «بسی دفتر شاهنامه»؟ آیا او به‌راستی پنجاه نسخه از شاهنامهٔ فردوسی را در اختیار داشته و تصحیح شاهنامه را بر اساس این ۵۰ نسخه در مدّت ۶ سال به‌پایان رسانیده است؟ با آن که تأیید این موضوع دشوار است، زیرا وجود پنجاه نسخه از شاهنامه در فاصلهٔ سال‌های ۷۱۴ تا ۷۲۰ق در یک شهر بسیار بعید می‌نماید، ولی به‌یاد داشته باشیم که حمداللّٰه مستوفی در دستگاه خواجه رشیدالدین فضل‌اللّٰه وزیر خدمت می‌کرده و به‌احتمال قوی به کتابخانه و دیگر امکانات «رَبع رشیدی» که بی‌نظیر بوده دسترسی داشته است. بحث بر سر عدد «پنجاه» است، نه «نسخه‌ها» و «بسی دفتر شاهنامه». زیرا دو مورد اخیر را به‌آسانی می‌توان به این صورت تعبیر کرد که وی «چند» نسخهٔ شاهنامه در اختیار داشته است نه ۵۰ نسخه. نصرت‌اللّٰه رستگار در پیشگفتاری که بر ظفرنامه نوشته به استناد همین بیت معتقد است که مستوفی از ۵۰ نسخه برای تصحیح شاهنامه استفاده کرده است.[۴] در حالی که ابوالعلاء سودآور می‌نویسد عدد «پنجاه» اشاره است به تعداد ابیات شاهنامه‌هایی که مستوفی در اختیار داشته، نه تعداد نسخه‌ها.[۵]

از سوی دیگر مستوفی پس از آنکه به‌زیر و زبر شدن شاهنامه به‌علت سهو نویسندگان و... اشاره کرده است می‌گوید:

سخن‌های او را شنیدم نخست — به‌قولی صحیح و به‌لفظی درست
کی بودش عدد شصت باره هزار — همه بیت‌ها چون دُر شاهوار

آیا این دو بیت اشاره‌ای است به این روایت مشهور که فردوسی شاهنامه را در شصت هزار بیت سروده بوده است، و یا به این روایت که محمود غزنوی پس از آنکه درصدد دلجویی از فردوسی برآمد شصت هزار دینار برای وی فرستاد[۶]، نه اینکه مستوفی چنین شاهنامه‌ای را شخصاً دیده بوده است. زیرا اگر وی شاهنامهٔ شصت هزار بیتی را در اختیار داشت که همهٔ بیت‌های آن چون «دُرّ شاهوار» بود دیگر تصحیح شاهنامه موردی پیدا نمی‌کرد. لفظ «شنیدم» در بیت نخست نیز مؤیّد این استنباط تواند بود که وی روایت شاهنامهٔ شصت هزار بیتی را شنیده و خوانده بوده است. اما وی چند بیت بعد می‌گوید پس از آنکه شاهنامه را به مدت شش سال تصحیح کردم، شاهنامه به‌همان صورت شصت هزار بیتی درآمد که فردوسی سروده بود. رأی ابوالعلاء سودآور آن است که شاهنامه‌های موجود در زمان مستوفی کمابیش پنجاه هزار بیتی بوده‌اند و او پس از مقابلهٔ نسخه‌های شاهنامه با یکدیگر کار تنقیح کتاب را حدود ۷۱۴ ق، با توجه به سیاست حاکم در عصر ایلخانان آغاز کرده است. یعنی هنگامی که ادیب و مورّخ گرد هم آمدند تا ببینند کدامین داستان‌های شاهنامه وجه مشترکی با تاریخ آل چنگیز دارند. بدین ترتیب انگیزه‌ای دیگر از برای «تکمیل» شاهنامه و افزودن ده هزار بیت دیگر مشخص می‌گردد: هر چه تعداد ابیات شاهنامه بیشتر، امکان تطبیق داستان‌های آن با تاریخ مغول زیادتر می‌شود.[۷]

به‌علاوه سودآور معتقد است:

> از آن پس دو نوع مأخذ برای استنساخ شاهنامه پیدا شد. نسخی که به‌قول مستوفی کمابیش پنجاه هزار بیت داشتند و دیگر نسخی که مقتبس از متن گستردهٔ مستوفی بودند با عناوین دگرگونِ شاهنامهٔ ابوسعیدی. اکنون بر متخصصین شاهنامه است که تعیین کنند طول شاهنامهٔ

---

[۳] مستوفی، ۱۳۷۷: ۷.

[۴] همان: شانزده.

[۵] سودآور، ۱۳۷۴: ۷۵۳.

[۶] فرستادن شصت هزار دینار برای فردوسی در چهارمقالهٔ نظامی‌عروضی آمده است، به‌نقل از امیر معزی که او گفت: «از امیر عبدالرزاق شنیدم به‌طوس...» (نظامی عروضی، ۱۳۳۳: ۷۵ـ۸۳).

[۷] سودآور، ۱۳۷۴: ۷۵۴.

بایسنقری و بقیهٔ شاهنامه‌های سلطنتی مقتبس از کدامین هستند.[۸]

این موضوع مهم را در اینجا ناگفته نگذارم که شاهنامهٔ مستوفی مکتوب به‌سال ۸۰۷ کمتر از ۵۰ هزار بیت دارد[۹]، گرچه افتادگی‌هایی نیز دارد[۱۰] ولی با احتساب این افتادگی‌ها هم به‌مرز شصت هزار بیت نمی‌رسد. از سوی دیگر، تعداد ابیات قدیمی‌ترین نسخهٔ کامل شاهنامهٔ فردوسی مورَّخ ۶۷۵ محفوظ در کتابخانهٔ بریتانیا نیز فقط ۴۸۲۰۰ بیت است.[۱۱]

از این بحث بگذریم. مقصود نویسندهٔ این سطور در این مقاله دو چیز است: یکی ذکر اهمیت‌کار حمداللّه مستوفی در ربع اول قرن هشتم هجری (قرن ۱۴م) در تصحیح شاهنامه. زیرا به موجب اسنادی که در اختیار داریم او نخستین کسی است که متوجه دستبرد کاتبان در شاهنامه و «سهو نویسندگان» و «تخلیط» بی‌شمار در آن شده و خود یک تنه درصدد برآمده است نسخه‌ای منقّح از شاهنامه را در اختیار دوستداران این کتاب قرار دهد. و دیگر بحث دربارهٔ اینکه مستوفی در تصحیح شاهنامه از چند نسخه استفاده کرده و کیفیت این نسخه‌ها و تاریخ کتابت آنها چه بوده است.

این موضوع را ناگفته نگذارم که در چاپ‌های انتقادی شاهنامهٔ فردوسی که در ۴۵ سال اخیر منتشر گردیده است: چاپ مسکو (در سال ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۱)[۱۲]، داستان رستم و سهراب (چاپ اول ۱۳۵۱)[۱۳] و داستان سیاووش (چاپ ۱۳۶۲)[۱۴] ــ هر دو به تصحیح استاد مجتبی مینوی ــ و شاهنامهٔ فردوسی به‌کوشش جلال خالقی‌مطلق (در ۸ دفتر از سال ۱۳۶۹ تا ۱۳۸۶)[۱۵]، فقط مجتبی مینوی در تصحیح آن دو داستان از شاهنامهٔ مستوفی با نشانهٔ رمز **حظ** استفاده کرده. ولی آن را نسخه‌ای معتبر ندانسته و در بین ۸ نسخهٔ مورد استفادهٔ خود آن را در ردیف هفتم قرار داده است. مهدی قریب نیز در مقدمهٔ خود بر داستان سیاووش دربارهٔ اعتبار این نسخه در بین نسخ هشتگانهٔ مورد بحث نوشته است:

> دو نسخهٔ **حظ** و **مب** (مورَّخ ۸۴۱ کتابخانهٔ بریتانیا) همان‌طور که دیدیم به‌لحاظ کمیّت ملحقات به‌نسبت دیگر نسخ از اعتبار نازلی برخوردارند ــ به‌ویژه در داستان سیاووش ــ لیکن نسخهٔ **حظ** به‌سبب نوعی ویژگی که در ضبط کلمات آن وجود دارد و نیز برخی واریانت‌های منحصر به‌فرد که در آن هست و قرینه‌هایی چند اصالت آنها را تأیید می‌کند، اعتبارش در بخش‌های دیگر شاهنامه بسی بیشتر از ردهٔ فعلی است.[۱۶]

و اما مستوفی در تصحیح شاهنامه از چه نسخه‌هایی استفاده کرده است؟ پاسخ به این سؤال دشوار است و آنچه در این باب از نظرتان می‌گذرد از حدس و گمان ــ البته با توجه به قرائن نسبةً قابل اعتماد ــ تجاوز نمی‌کند.

دیدیم که مستوفی به چند موضوع دربارهٔ شاهنامه‌های موجود در دوران خود اشاره کرده است. بسیاری از نسخه‌های شاهنامه با گذشت روزگاران از سهو نویسندگان و تخلیط بسیاری که در آنها روی داده زیر و زبر شده است چنان که در آنها شَبَه با دُرّ برآمیخته و کسی نیز تا آن زمان به تنقیح آن نپرداخته بوده است. ولی مستوفی در حالی که بسی دفتر شاهنامه به‌کف داشته آن را تصحیح کرده و شاهنامه راکه «ز دست بدان نیک شوریده حال» و سراسر آن به‌سبب سهو نویسندگان زیر و زبر شده بوده است با تصحیح خود به صورتی درآورده است که «بیفزود آن نامه را رنگ و بوی...».

---

[۸] سودآور، ۱۳۷۴: ۷۵۵؛ در حالی که نصرت‌اللّه رستگار تعداد ابیات شاهنامهٔ فردوسی را در حاشیهٔ ظفرنامه شصت هزار بیت ذکر کرده است: «ظفرنامه... نسخهٔ ناموری که عکس آن اکنون در دست شماست همراه است با شصت هزار بیت از «شاهنامهٔ» فردوسی...»، (پیشگفتار: یک، یادداشت ۲).

[۹] ابیات شاهنامهٔ مستوفی، نسخهٔ لندن، حداکثر ۴۹۷۷۳ بیت است. بدین شرح که در ۱۴۷۳ صفحهٔ اول ظفرنامه، در حاشیهٔ هر صفحه ۲۹ بیت، و در ۸۵ صفحهٔ آخر جلد دوم آن، در متن و حاشیهٔ هر صفحه ۸۳ بیت نوشته شده است. بی احتساب «عنوان‌ها» که هر یک از آنها جای یک بیت را گرفته است.

[۱۰] در مقابلهٔ صفحات اول شاهنامهٔ مستوفی (نسخهٔ لندن) با شاهنامهٔ دکتر خالقی متوجه شدم که در شاهنامهٔ مستوفی، بر اساس نسخهٔ خالقی‌مطلق، ۷ بیت آخر «گفتار اندر آفرینش آفتاب و ماه»، «گفتار اندر ستایش پیغمبر»، و «گفتار اندر فراهم آوردن شاهنامه» (بیت‌های ۸۱ تا ۱۲۵) از قلم افتاده است.

[۱۱] مهدی قریب دربارهٔ تعداد ابیات شاهنامهٔ مورَّخ ۶۷۵ق کتابخانهٔ بریتانیا نوشته است: «۱. قدیم‌ترین نسخهٔ خطی شناخته شدهٔ شاهنامه در جهان است؛ ۲. پیراسته‌ترین نسخهٔ موجود است: (۴۸۲۰۰ بیت) و...»، (قریب، ۱۳۶۲، مقدمه: ط).

[۱۲] مؤسسهٔ خاورشناسی فرهنگستان علوم اتحاد جماهیر شوروی، چاپ انتقادی شاهنامه، به‌توسط عده‌ای از دانشمندان، نخست به‌سرپرستی ی. ا. برتلس، و بعد به‌سرپرستی عبدالحسین نوشین، در فاصلهٔ سال‌های ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۱ در ۹ جلد.

[۱۳] داستان رستم و سهراب، مقدمه و تصحیح و توضیح مجتبی مینوی، چاپ دوم، به‌کوشش مهدی قریب، مهدی مداینی. تهران: مؤسسهٔ مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۹.

[۱۴] داستان سیاووش. تصحیح و توضیح مجتبی مینوی. مقدمه از مهدی قریب. تهران: مؤسسهٔ مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۲.

[۱۵] شاهنامه. به‌کوشش جلال خالقی‌مطلق. با مقدمهٔ احسان یارشاطر. ۸ دفتر. نیویورک و کالیفرنیا، ۱۳۶۹ ــ ۱۳۸۶.

[۱۶] قریب، ۱۳۶۲، مقدمه: ی ــ یا.

برای پاسخ دادن به‌پرسشی که مطرح کردم باید نخست ببینیم مستوفی درچه تاریخی به این کار دست زده است. او چنان که خود سروده است ظفرنامه را در سال ۷۳۵ به‌پایان رسانیده و مدت ۱۵ سال صرف سرودن آن کرده بوده است و پیش از آنکه به ظفرنامه بپردازد، مدت ۶ سال به‌تصحیح شاهنامهٔ فردوسی مشغول بوده است، پس وی در فاصله سال‌های ۷۱۴ تا ۷۲۰ سرگرم تصحیح شاهنامه بوده است.[۱۷] امروز ما از نسخه‌های شاهنامهٔ فردوسی مقدم بر سال‌های ۷۱۴ تا ۷۲۰ فقط دو نسخه در اختیار داریم: نیمهٔ اول شاهنامه، نسخهٔ فلورانس مورَّخ ۶۱۴، و نسخهٔ کتابخانهٔ بریتانیا مورَّخ ۶۷۵. تاریخ کتابت بقیهٔ نسخه‌های کهن موجود شاهنامه که در تصحیح انتقادی این کتاب مورد استفاده محققان قرار گرفته، همه بعد از سال ۷۳۱ است.[۱۸] پس ما امروز به‌نسخه‌هایی که مستوفی با مراجعه به آنها شاهنامه را تصحیح کرده است مطلقاً دسترسی نداریم. ولی استاد خالقی مطلق با آن همه نسخه‌بدل‌هایی که در ذیل هر صفحهٔ شاهنامهٔ تصحیح خود در اختیار ما قرار داده است، کار تحقیق در این باب و پاسخ دادن به این سؤال را که مستوفی از چه نسخه‌هایی استفاده کرده است تا حدی آسان نموده است. گرچه ما هرگز نمی‌توانیم نسخه‌های مورد مراجعهٔ مستوفی را معرفی کنیم، ولی با مراجعه به شاهنامهٔ تصحیح خالقی‌مطلق این موضوع در درجهٔ اول روشن می‌گردد که اگر مستوفی گفته است برای تصحیح شاهنامه «بسی دفتر شاهنامه به کف» گرفته بوده است و یا «چو دیدم بسی نسخه‌های چنین»، راه اغراق نپیموده است. چرا؟

برای پاسخ دادن تقریبی به این سؤال نویسندهٔ این سطور نخست سه بخش کوتاه از شاهنامهٔ مستوفی را بدین شرح استنساخ کردم: ۵۸ بیت از مقدمهٔ شاهنامه، ۱۱۷ بیت از آغاز داستان رستم و سهراب، و ۱۵ بیت از آغاز داستان رستم و اسفندیار. پس از استنساخ این بیت‌ها آنها را با شاهنامهٔ تصحیح خالقی‌مطلق مقابله کردم. هرجا نسخهٔ مستوفی با تصحیح خالقی‌مطلق تفاوت دارد، ضبط مستوفی را در بیت با حروف سیاه مشخص کردم و آنگاه به زیرنویس هر بیت در شاهنامهٔ تصحیح خالقی‌مطلق مراجعه کردم و روشن ساختم که ضبط مستوفی در کدام یک از نسخه‌بدل‌های خالقی مطلق آمده است. البته ضبط خالقی‌مطلق را نیز در زیر همان بیت نوشته‌ام. به طور مثال در سومین بیت مقدمهٔ شاهنامهٔ مستوفی:

خداوند **کیهان** و گردان سپهر   [فرو] زندهٔ ماه و ناهید و مهر

نشان داده‌ام که ضبط خالقی‌مطلق «کیوان» است نه «کیهان»، و ضبط مستوفی با نسخه‌های **لن ق۲ لی ب** مطابقت دارد. یا بیت ۳۴ مقدمهٔ شاهنامهٔ مستوفی بدین قرار است:

بگفتار دانندگان راه جوی   بگیتی بپوی و بهرکس بگوی

ضبط خالقی به‌جای «بگفتار»، «به دانش ز» است. اما ضبط مستوفی با نسخه‌های **ل ق پ و ب** مطابقت دارد.

پیش از آنکه به نقل سه بخش از شاهنامهٔ مستوفی و مقابلهٔ آن با شاهنامه‌های مورد استفادهٔ خالقی‌مطلق بپردازم، مشخصات شاهنامه‌هایی را که خالقی مطلق در این سه بخش مورد استفاده قرار داده است در جدول زیر می‌آورم:

---

[۱۷] در سفینهٔ تبریز، تألیف ابوالمجد محمدبن مسعود تبریزی نیز ۱۲۴۵ بیت از سه بخش شاهنامهٔ فردوسی نقل گردیده که «به‌ترتیب در ۹، ۱۴ و ۱۶ جمادی‌الاولی ۷۲۱ نوشته شده است.» بدین ترتیب معلوم می‌شود مؤلف سفینهٔ تبریز، شاهنامه‌ای در اختیار داشته که تاریخ کتابت آن پیش از سال ۷۲۱ هجری قمری بوده است (رک: آیدنلو، ۱۳۸۴ـ۱۳۸۵).

[۱۸] به نقل از فردوسی، ۱۳۶۹ـ۱۳۸۶، ۱: سی و سه؛ ۲: یازده؛ ۵: سیزده.

نشانهٔ رمز	تاریخ کتابت	محل نگه‌داری	شمارهٔ نسخه
ف	۶۱۴ق/۱۲۱۷م	کتابخانهٔ ملی فلورانس	MS. Cl. III. 24
ل	۶۷۵ق/۱۲۷۶م	کتابخانهٔ بریتانیا	Add. 21. 103
س	۷۳۱ق/۱۳۳۰م	کتابخانهٔ طوپقاپوسرای	H. 1479
لن	۷۳۳ق/۱۳۳۳م	کتابخانهٔ عمومی دولتی لنینگراد	317-316
ق	۷۴۱ق/۱۳۴۱م	دارالکتب قاهره	۶۰۰۶ س
ک	۷۵۲ق/۱۳۵۱م	موزهٔ ملی کراچی	N.M.1957—913/3
ق^{۲}	۷۹۶ق/۱۳۹۴م	دارالکتب قاهره	۷۳ تاریخ فارسی
لی	۸۴۰ق/۱۴۳۷م	دانشگاه لیدن	Or. 494
ل^{۳}	۸۴۱ق/۱۴۳۸م	کتابخانهٔ بریتانیا	Or. 1403
پ	۸۴۴ق/۱۴۴۱م	کتابخانهٔ ملی پاریس	Suppl. Pers. 493
و	۸۴۸ق/۱۴۴۴م	کتابخانهٔ پاپ، واتیکان	MS. Pers. 118
لن^{۲}	۸۴۹ق/۱۴۴۵م	کتابخانهٔ خاورشناسی لنینگراد	S. 1654
آ	۸۵۲ق/۱۴۴۸م	دانشگاه آکسفورد	MS. Pers. C.4
ل^{۲}	۸۹۱ق/۱۴۸۶م	کتابخانهٔ بریتانیا	Add. 18 188
ب	۸۹۴ق/۱۴۸۹م	کتابخانهٔ دولتی برلین	Or. 2° 4255
س^{۲}	۹۰۳ق/۱۴۹۸م	کتابخانهٔ طوپقاپوسرای	H. 1510

در این جا گرچه ضرورت ندارد، ولی این توضیح را لازم می‌داند که بدیهی است مستوفی به هیچ یک از این نسخه‌ها (به‌احتمال بسیار ضعیف به‌جز نسخهٔ فلورانس، مورَّخ ۶۱۴، و نسخهٔ کتابخانهٔ بریتانیا مورَّخ ۶۷۵ که تاریخ کتابتشان پیش از سال‌های ۷۱۴ــ۷۲۰ است) دسترسی نداشته است. او از نسخه‌هایی برای تصحیح شاهنامه‌سود برده است که به اصطلاح مادر نسخهٔ این نسخه‌بدل‌ها بوده‌اند و ما امروز از آنها خبری نداریم. ولی مسلّم است که تاریخ کتابت همهٔ آنها مقدم بر سال‌های ۷۱۴ تا ۷۲۰ بوده است.

اینک پس از این مقدمه که به ناچار طولانی شد، می‌پردازم به نقل سه بخش مورد بحث، به شرحی که پیش از این به آن اشاره کردم.

[دیباچه]

۱ به نام خداوند جان و خرد کزین برتر اندیشه بر نگذرد
۲ خداوند نام و خداوند جای خداوند **روزی‌ده** رهنمای
خالقی: روزی ده و؛ نسخه‌ها: **لن، ق، ق^{۲}، لی، و، آ، ل^{۲}، ب**
۳ خداوند **کیهان** و گردان سپهر فروزندهٔ ماه و ناهید و مهر
خالقی: کیوان؛ نسخه‌ها: **لن، ق^{۲}، لی، ب**
۴ [ز نام] و نشان و گمان برترست نگارندهٔ برشده گوهرست
۵ **ز بینندگان** آفریننده را نه‌بینی مرنجان دو بیننده را
خالقی: به بینندگان؛ نسخه‌ها: **ل، س، لن، ق^{۲}، لی**
۶ **نیابد بدو نیز اندیشه** راه که او برتر از نام و از جایگاه
خالقی: نه اندیشه یابد بدو نیز؛ نسخه‌ها: **ل، س، لن، ق^{۲}، لی، پ، و، آ، ب**
۷ سخن هرچه زین گوهران بگذرد نیابد بدو **راه و جان** و خرد
خالقی: راه جان
۸ خرد گر سخن برگزیند همی همان را **گزیند** که بیند همی
خالقی: ستاید؛ نسخه‌ها: **ل، س، لن، ق^{۲}، لی، پ، و**
۹ ستودن نداند کس او را چو هست میان بندگی را ببایدت بست
۱۰ خرد را و جان را همی سنجد او در اندیشهٔ [سخته] کی گنجد او
۱۱ بدین **آلت و رای و جای** و زبان ستود آفریننده را کی توان
خالقی: آلت رای و جان؛ نسخه‌ها: **ف، س، لی، پ، و، آ، ل^{۲}، ب**: آلت و رای و جان
۱۲ به هستیش باید که خستو شوی ز **گفتار و پیکار** یکسو شوی
خالقی: گفتار بیکار؛ نسخه‌ها: **لن، لی، آ، ل^{۲}، ب**

۱۳ پرستنده باشی و جوینده راه   به‌ژر[فی] به‌فرمانش کردن نگاه
۱۴ توانا بود هر که دانا بود   ز دانش دل پیر برنا بود
۱۵ ازین پرده برتر سخن‌گاه نیست   ز هستی مر اندیشه را راه نیست
۱۶ چو معلوم شد هستی کردگار   دگر خاطر خویش رنجه مدار
خالقی: ندارد؛ این بیت فقط در **ل** آمده است.
۱۷ کنون ای خردمند **وصف** خرد   بدین جایگه گفتن اندر خورد
خالقی: ارج؛ نسخه‌ها: **ل، س، لن، ق^{۲}، لی، پ، و، ب**

ستایش خرد

۱۸ کنون تا چه داری بیار از خرد   که گوش ستاینده زو برخورد
خالقی: ندارد؛ نسخه‌ها: **س، لن، ق، ق^{۲}، لی، پ، آ، ل^{۲}، ب**
۱۹ خرد بهتر از هر چه ایزدت داد   ستایش خرد را بـه از راه داد
۲۰ خرد رهنمای و خرد دلگشای   خرد دست گیر [د به هر دو] سرای
۲۱ از و شادمانی **و زو فرّهیست**   **و زو هم فزونی** و هم زو کمیست
خالقی: و زویت غمیست
خالقی: و زویت فزونی
۲۲ خرد تیره و مرد روشن روان   نباشد همی شادمان یک زمان
۲۳ چگفت آن **خردمند مرد خرد**   که دانا ز گفتار او برخورد
خالقی: سخنگوی مرد از خرد؛ نسخه‌ها: **ل، س، پ، و، آ، ل^{۲}، ب**
۲۴ کسی کو خرد را ندارد **ز پیش**   دلش گردد از کردهٔ خویش ریش
خالقی: به پیش؛ نسخه‌ها: **س، لن، ق^{۲}، پ**
۲۵ هشیوار دیوانه خواند **ترا**   همان خویش بیگانه **خواند ترا**
خالقی: ورا؛ نسخه‌ها: **ق**
خالقی:داند ورا؛ نسخه‌ها: **ل**:خواند ورا
۲۶ ازویی به هر دو سرای ارجمند   [گسسته] خرد پای دارد به بند
۲۷ خرد چشم جانست چون بنگری   **تو بی چشم** شادان جهان نسپری
خالقی: که بی چشم؛ نسخه‌ها: **ل، س، لن، ق^{۲}، لی، پ، و، آ، ب**
۲۸ نخست آفرینش خرد را شناس   نگهبان جانست و آن **سپاس**
خالقی: سه پاس؛ نسخه‌ها: **ل، س، لن، ق^{۲}، لی، پ، و، آ، ل^{۲}، ب**
۲۹ **سپاس** تو **گوشست و چشم** و زبان   کزین **سه رسد** نیک و بد بی گمان
خالقی: سه پاس
خالقی: چشم‌ست و گوش؛ نسخه‌ها: **س، ق، ق^{۲}، پ، و، ل^{۲}**
خالقی: سه بود؛ نسخه‌ها: **ل، س، لن، ق، ق^{۲}، لی، پ، و، ل^{۲}**
۳۰ خرد را و جان را که داند ستود   و گر من ستایم که یارد شنود
۳۱ حکیما چو کس نیست گفتن [چه‌سود]   ازین پس بگو کافر[ینش چه بود]
۳۲ توای کردهٔ کردگار جهان   **نه‌بینی** همی آشکار و نهان
خالقی: ندانی؛ نسخه‌ها: **ل، س، لن، ق^{۲}، لی، ل^{۲}، ب**
۳۳ **به‌گفتار** دانندگان راه جوی   به‌گیتی بپوی و به‌هر کس بگوی
خالقی: به دانش ز ؛ نسخه‌ها: **ل، ق، پ، و، ب**
۳۴ ز هر دانشی چون سخن بشنوی   **از** آموختن یک زمان نغنوی
خالقی: ز؛ نسخه‌ها: **ق^{۲}، لی**
۳۵ چو دیدار یابی به شاخ سخن   بدانی کی دانش **کی افکند بن**
خالقی: نیاید به بن

در آفرینش عالم

۳۶ از آغاز **یابد** کی دانی درست   سر مایهٔ گوهران از نخست
خالقی: باید
۳۷ کی یزدان ز ناچیز چیز آفرید   بدان تا توانایی آمد بدید
۳۸ و زو مایهٔ گوهر آمد چهار   برآورده بی رنج و بی روزگار
۳۹ یکی آتش برشده تابناک   میان **آب و باد** از بر تیره خاک
خالقی: باد و آب؛ نسخه‌ها: **ل، س، ق، ق^{۲}، آ، ب**
۴۰ نخستین کی آتش ز جنبش دمید   ز گرمیش پس خشکی آمد پدید
۴۱ وزان پس از آرام سردی نمود   ز سردی همان باز **تری نمود**
خالقی: ترّی فزود؛ نسخه‌ها: **لن**
۴۲ چو این چار گوهر به‌جای آمدند   ز بهر سپنجی سرای آمدند
۴۳ گهرها یک اندر دگر **ساخته**   **ز هر** گونه گرد[ن بر]**افراخته**
خالقی: ساختند؛ نسخه‌ها: **ل، س، لن، ق، ق^{۲}، لی، پ، و، آ، ل^{۲}، ب**
خالقی: دگر؛ نسخه‌ها: **ل، س، لن، ق، ق^{۲}، لی، پ، و، آ، ل^{۲}، ب**
خالقی: برافراختند؛ نسخه‌ها: **ل، لن، ق، و، ل^{۲}، ب**
۴۴ پدید آمد این گنبد تیز رو   شگفتی نمایندهٔ نو به‌نو
۴۵ ابر ده و دو هفت شد کدخدای   گرفتند هر یک سزاوار جای
۴۶ **درو بخشش و داد** آمد پدید   ببخشید دانندهٔ **هر چون** سزید
خالقی: درو ده و دو برج؛ **ل**: درو داد و هم بخشش؛ **س، لن، ق، ق^{۲}، لی، پ، و، آ، ل^{۲}، ب**: درو بخشش و دادن
خالقی: چونان؛ در خالقی این بیت قبل از بیت قبلی است. نسخه‌ها: **ل، س، لن، ق، ق^{۲}، لی، پ، و، آ، ل^{۲}، ب**
۴۷ فلکها یک اندر دگر بسته شد   بجنبید چون کار پیوسته شد
۴۸ چو دریا و چون **کوه و چون دشت و راغ**   زمین شد بکردار روشن چراغ
خالقی: دشت و چون کوه و راغ؛ نسخه‌ها: **س، ق، لی، پ، و، آ، ل^{۲}، ب**
۴۹ ببالید کوه آب‌ها بردمید   سر رستنی سوی [بالا کشید]
۵۰ زمین را بلندی نبد جایگاه   یکی مرکزی تیره بود و سیاه
۵۱ ستاره بر بسر بر شگفتی نمود(کذا)   به‌خاک اندرون روشنایی فزود
۵۲ همی بر شد **آتش** فرود آمد آب   همی گشت گرد زمین آفتاب
خالقی: ابر و؛ نسخه‌ها: **س، لن، ق^{۲}، لی، پ، و، آ، ب، ل^{۳}، لن^{۲}**
۵۳ گیا رست با چند گونه درخت   به‌زیر اندر آمد سرانشان ز **بخت**
خالقی: بخت
۵۴ ببالد ندارد جز این نیروی   نپوید چو پویندگان هر سوی
خالقی ۲ بیت اضافه دارد.

۵۵ نه گویا زبان و نه جویا خرد   **ز خار و ز خاشاک تن** پرورد
خالقی: ز خاشاک‌ها خویشتن؛ نسخه‌ها: **ل، س، لن، ق^{۲}، لی، پ، و، آ، ب**: ز خاک (و، آ: خار) و ز خاشاک تن
۵۶ ... **بد و** نیک فرجام کار   نخواهد ازو بندگی کردگار
کلمهٔ اول محو شده است. خالقی: نداند بد و
۵۷ [چو] دانا توانا بد و دادگر   [از]یرا نکرد ایچ پنهان هنر
۵۸ چنین است فرجام کار جهان   نداند کسی آشکار و نهان

در مستوفی دو بیت اخیر زیر عنوان: «در آفریدن آدمیان» آمده است.[۱۹]

دیباچهٔ داستان رستم و سهراب

خالقی: داستان رستم و سهراب
۱ اگر تندبادی برآید ز کنج   به‌خاک افکند نارسیده ترنج
۲ ستمکاره خوانیمش **از دادگر**   **خردمند خوانیمش** ار بی‌هنر
خالقی: ار دادگر؛ نسخه‌ها: **و، ل^{۲}**
خالقی: هنرمند گوییمش؛ نسخه‌ها: **لن، ل^{۲}، لن^{۲}**: هنرمند خوانیمش
۳ اگر مرگ دادست بیداد چیست   ز داد این همه بانگ و فریاد چیست
۴ ازین راز جان تو آگاه نیست   بدین پرده‌اندر ترا راه نیست
۵ همه تا در آز رفته فراز   به‌کس بر نشد این در **آز باز**
خالقی: راز باز؛ نسخه‌ها: **س، لن، ق، ق^{۲}، لی، پ، آ، ل^{۲}، ب، ل^{۳}، لن^{۲}**
۶ به‌رفتن مگر بهتر آیدت جای   چو آرام گیری به‌دیگر سرای
۷ نخستین دل از مرگ بستاندی   [دلیر و جوان خاک نبسایدی]
خالقی: ندارد؛ نسخه‌ها: **ف، س، لن، ق^{۲}، لی، پ، و، آ، ل^{۲}، ب، ل^{۳}، لن^{۲}، س^{۲}**
۸ اگر آتشی گاه افروختن   بسوزد عجب نیست از سوختن
خالقی: ندارد؛ نسخه‌ها: **س، لن، ق^{۲}، لی، پ، آ، ل^{۲}، ب، ل^{۳}، لن^{۲}، س^{۲}**
۹ بسوزد چو در سوز آید درست   چو شاخ کهن بیخ تر را نخست
خالقی: ندارد؛ نسخه‌ها: **س، لن، ق^{۲}، لی، پ، آ، ل^{۲}، ب، ل^{۳}، لن^{۲}، س^{۲}**
۱۰ دم مرگ چون آتش هولناک   ندارد ز برنا و فرتوت باک
خالقی: ندارد؛ نسخه‌ها: **ل، س، لن، ق، ق^{۲}، لی، پ، آ، ل^{۲}، ب، ل^{۳}، لن^{۲}، س^{۲}**
۱۱ جوان را چه یابد به‌گیتی طرب   کی نه مرگ را هست پیری سبب
خالقی: ندارد؛ نسخه‌ها: **س، لن، ق، ق^{۲}، لی، پ، آ، ل^{۲}، ب، ل^{۳}، لن^{۲}، س^{۲}**
۱۲ درین جای رفتن بجای درنگ   بر اسب قضا گر کشد مرد تنگ
خالقی: ندارد؛ نسخه‌ها: **ل، س، لن، ق، ق^{۲}، لی، پ، آ، ل^{۲}، ب، ل^{۳}، لن^{۲}، س^{۲}**
۱۳ چنان دان کی دادست و بیداد نیست   چو داد آمدش جای فریاد نیست
خالقی: ندارد؛ نسخه‌ها: **ل، س، لن، ق، ق^{۲}، لی، پ، آ، ل^{۲}، ب، ل^{۳}، لن^{۲}، س^{۲}**
۱۴ جوانی و تیزی به‌نزد اَجَل   یکی دان چو در دین نخواهی خلل
خالقی: ندارد؛ نسخه‌ها: **ل، س، لن، ق، ق^{۲}، لی، پ، آ، ل^{۲}، ب، ل^{۳}، لن^{۲}، س^{۲}**
۱۵ دل از نور ایمان گر آکندهٔ   ترا خامشی به اگر بندهٔ
خالقی: ندارد؛ نسخه‌ها: **ل، س، لن، ق، ق^{۲}، لی، پ، آ، ل^{۲}، ب، ل^{۳}، لن^{۲}، س^{۲}**
۱۶ پرستش برو پیشه کن با نیاز   همان کار روز پسین را بساز
خالقی: ندارد؛ نسخه‌ها: **س، لن، ق، ق^{۲}، لی، پ، آ، ل^{۲}، ب، ل^{۳}، لن^{۲}، س^{۲}**
۱۷ برین کار یزدان ترا راز نیست   اگر دیو با جانت انباز نیست
خالقی: ندارد؛ نسخه‌ها: **ل، س، لن، ق، ق^{۲}، لی، پ، آ، ل^{۲}، ب، ل^{۳}، لن^{۲}، س^{۲}**
۱۸ بگیتی بران کوش چو بگذری   سرانجام اسلام با خود بری
خالقی: ندارد؛ نسخه‌ها: **ل، س، لن، ق، ق^{۲}، لی، پ، آ، ل^{۲}، ب، ل^{۳}، لن^{۲}، س^{۲}**
۱۹ کنون رزم مهراب باید نخست   از آن کین کی او با پدر چون بجست
خالقی: ندارد؛ نسخه‌ها: **ل، لن، ق، لی، پ، ل^{۲}، ل^{۳}، لن^{۲}، س^{۲}**

[آغاز داستان]

۲۰ ز گفتار دهقان یکی داستان   بپیوندم از گفتهٔ باستان
۲۰ ز موبد برین گونه برداشت یاد   **کی رستم یکی روز** از بامداد
خالقی: که یک روز رستم هم؛ نسخه‌ها: **ل، آ**
۲۱ **غمین** بد دلش ساز نخجیر کرد   کمر بست و ترکش پر از تیر کرد
خالقی: غمی؛ نسخه‌ها: **س، ب**
۲۲ سوی مرز توران بنهاد روی   چو شیر دژآگاه نخجیرجوی
خالقی: ندارد؛ نسخه‌ها: **ل، لن، ل^{۲}، ل^{۳}، لن^{۲}، س^{۲}**
۲۳ چو نزدیکی مرز توران رسید   بیابان سراسر پر از گور دید
۲۴ برافروخت چون گل رخ تاج‌بخش   بخندید **و از** جای **برکرد** رخش
خالقی: وز؛ نسخه‌ها: **س، لن، ق^{۲}، لی، پ، و، آ، ل^{۲}، ب، ل^{۳}**
خالقی: برکند؛ نسخه‌ها: **س، لن، ق، ق^{۲}، لی، پ، و، آ، ل^{۲}، ب، ل^{۳}، لن^{۲}، س^{۲}**: برکرد
۲۵ به تیر و کمان و به گرز و کمند   بیفکند بر دشت نخجیر چند
۲۶ **ز خار و ز خاشاک و برگ** درخت   یکی آتشی برفروزید سخت
خالقی: زخاشاک و از خار و شاخ؛ نسخه‌ها: **س، ق، ق^{۲}، و، آ، ب**
۲۷ چو آتش پراکنده شد پیلتن   درختی بجست از در بابزن
۲۸ یکی نره گوری بزد بر درخت   کی در چنگ او پر مرغی **نسجت**
خالقی: نسخت
۲۹ چو بریان شد از هم بکند و بخورد   ز مغز استخوانش برآورد گرد
۳۰ بخفت و برآسود از روزگار   چمان و چران رخش در مرغزار
۳۱ سواران ترکان تنی هفت هشت   بر آن دشت **نخجیرگه** برگذشت

---

[۱۹] مستوفی، ۱۳۷۷، ۱: ۲ ــ ۴؛ فردوسی، ۱۳۶۹ ــ ۱۳۸۶، ۱: ۳ ــ ۷.

خالقی: نخچیرگان؛ نسخه‌ها: **ل، س، لن، ق، ق^{۲}، لی، پ، و، آ، ل^{۲}، ب، لن^{۲}**
۳۲ پی **رخش** دیدند در مرغزار   بگشتند گرد لب جویبار
خالقی: اسپ؛ نسخه‌ها: **س، لن، ق، ق^{۲}، لی، پ، و، آ، ل^{۲}، ب، ل^{۳}، لن^{۲}، س^{۲}**
۳۳ چو بر دشت **مرا اسب** یافتند (کذا)   سوی بند کردنش بشتافتند
خالقی: مر رخش را؛ نسخه‌ها: **ف، لن، پ، ل^{۲}، لن^{۲}**: مر اسب را
۳۴ گرفتند و بردند پویان به‌شهر   همی **هرکسی ازرجش** جستندبهر (کذا)
خالقی: هر یک از رخش؛ نسخه‌ها: **س، لن، ق^{۲}، لی، پ، آ، ل^{۲}، ب، ل^{۳}، لن^{۲}**: هر کس از رخش
۳۵ چو بیدار شد رستم از خواب خوش   به‌کار آمدش **یار** دست‌کش (کذا)
خالقی: بارهٔ
۳۶ غمی گشت چون بارگی را نیافت   سراسیمه سوی سمنگان شتافت
۳۷ همی گفت **اکنون پیاده توان**   کجا پویم از ننگ **خسته روان**
خالقی: کاکنون پیاده نوان؛ نسخه‌ها: **لن، پ، و، ل^{۲}**: اکنون
خالقی: تیره روان
۳۸ ابا ترکش و گرز بسته میان   چنین ترک و شمشیر و ببر بیان
۳۹ چگویند گردان کی اسبش کی برد   تهمتن **بدین سان** بخفت و بمرد
خالقی: بدانجا؛ نسخه‌ها: **ل، لن، ق، لی، ل^{۳}، س^{۲}**: بدینسان
خالقی: ار؛ نسخه‌ها: **ل، س، لن، ق^{۲}، لی، آ، ل^{۲}، ب، لن^{۲}**: و
۴۰ کنون رفت باید بیچارگی (کذا)   به‌غم دل **نهادند** به یکبارگی
خالقی: به بیچارگی
خالقی: سپردن؛ نسخه‌ها: **س، لن، ق، ق^{۲}، لی، پ، و، آ، ل^{۲}، ب، ل^{۳}، لن^{۲}، س^{۲}**: نهادن
۴۱ همی بست باید سلیح و کمر   به‌جایی نشانش بیایم مگر
۴۲ چو نزدیک شهر سمنگان رسید   خبر زو **به نزد نهنگان** رسید
خالقی: به شیر و پلنگان؛ نسخه‌ها: **پ** (پلنگان)، **ل^{۲}**
۴۳ کی آمد پیاده گو تاج‌بخش   به نخجیر گه زو رمیدست رخش
۴۴ پذیره شدندش بزرگان و شاه   کسی کو به سر بر نهادی کلاه
۴۵ همی گفت هرکس کی این رستمست   **و یا** آفتاب سپیده‌دمست
نسخه‌ها: **س، ق^{۲}، لی، پ، و، ب**   خالقی: و گر
۴۶ پیاده شدندش بزرگان و شاه   برو انجمن شد فراوان سپاه
خالقی: ندارد.
۴۷ بدو گفت شاه سمنگان چه بود   کی یارست با تو نبرد آزمود
۴۸ بدین شهر ما نیکخواه توایم   ستوده بَفَرمان و **رای** توایم
خالقی: راه
۴۹ تن و خواسته زیر فرمان تست   سر ارجمندان و جان آن تست
۵۰ چو رستم به‌گفتار او بنگرید   ز بدها **بیش** کوتاه دید (کذا)
خالقی: گمانیش

۵۱ بدو گفت رخشم بدین مرغزار   ز من دور شد بی لگام و فسار
۵۲ کنون تا سمنگان نشان پی است   **ازآن‌سوی** جویبار و نی است (کذا)
خالقی: بدان سر کجا ؛ نسخه‌ها: **ق، ق^{۲}، لی، پ**: وزان سو کجا (**ق**: همه)
۵۳ ترا باشد **از** باز جویی سپاس   **ز ایزد** به‌پاداش نیکی‌شناس
خالقی: ار
خالقی: بباید؛ نسخه‌ها: **ل^{۲}**
۵۴ ور ایدونک **رخشم نیاید پد**[**ید**]   سران را بسی سر **بخواهم** برید
خالقی: ماند ز من ناپدید؛ نسخه‌ها: **س، ق^{۲}، لی، پ، و، آ، ل^{۲}، ب، لن^{۲}**
خالقی: بباید؛ نسخه‌ها: **ق، ب**
۵۵ بدو گفت شاه ای سرافراز مرد   نیارد کسی با تو این کارکرد
۵۶ تو مهمان ما باش و تندی مکن   به‌کام تو گردد سراسر سخن
۵۷ یک امشب به‌می شاد داریم دل   **وز** اندیشه آزاد داریم دل
خالقی: از؛ نسخه‌ها: **ل، س، ق، ق^{۲}، لی، پ، و، آ، ل^{۲}، ب، ل^{۳}، لن^{۲}**
۵۸ پی رخش **رستم** نماند نهان   چنان بارهٔ **نامدار** جهان
خالقی: هرگز؛ نسخه‌ها: **س، ق^{۲}، پ، آ، ل^{۲}، ب، لن^{۲}**
خالقی: نامور در؛ نسخه‌ها: **ل، س، ق^{۲}، لی، و، آ، ل^{۲}، ب، ل^{۳}، س^{۲}**
۵۹ تهمتن ز گفتار او شاد شد   روانش **ز** اندیشه آزاد شد
خالقی: از؛ نسخه‌ها: **ل، ق، ق^{۲}، لی، پ، و، ل^{۲}**
۶۰ سزا دید رفتن سوی خان **اوی**   **شد آن مژده را شاه مهمان اوی**
خالقی: او ؛ نسخه‌ها: **پ، و**
خالقی: به خوبی بیاراست؛ نسخه‌ها: **و، ل^{۲}، لن^{۲}**: شد آن مژده را شاد (**ل^{۲}**: شاه)
۶۱ مگر باز یابد ازو باره را   نباید شنودنش بیغاره را
خالقی: ندارد؛ نسخه‌ها: **ل^{۲}**
۶۲ سپهبد بدو داد در کاخ **رای**   همی بود بر پیش او بر به پای
خالقی: جای
۶۳ ز شهر و ز لشکر **مهان** را بخواند   سزاوار با او به شادی نشاند
خالقی: سران
۶۴ گسارنده باده و رودساز   **سیه‌چشم** گل‌رخ بتان طراز
خالقی: سیه چشم و؛ نسخه‌ها: **س، ق، ق^{۲}، لی، آ، ل^{۲}**
۶۵ نشستند با رودسازان به هم   **ازآن تا تهمتن** نباشد دژم
خالقی: بدان تا سپهبد؛ نسخه‌ها: **ل، س، ق، لی، پ، آ، ب، ل^{۳}، لن^{۲}، س^{۲}**: بدان تا تهمتن
۶۶ بفرمود خوالیگران راکه خوان   بیارند و بنهند پیش گوان
خالقی: ندارد؛ نسخه‌ها: **پ، ل^{۲}، لن^{۲}، س^{۲}**
۶۷ چو شد **مست** هنگام خواب آمدش   همی از نشستن شتاب آمدش
خالقی: مست و؛ نسخه‌ها: **س، ق، ق^{۲}، و، آ، ل^{۲}، ب**
۶۸ سزاوار او جای آرام و خواب   بیاراست و بنهاد مشک و گلاب

[گفتار اندرآمدن تهمینه دختر شاه سمنگان به بالین رستم]

۶۹ چو یک بهره از تیره‌شب **برگذشت**   شباهنگ بر **خرخ کران** بگشت (کذا)
خالقی: درگذشت
خالقی: چرخ گردان
۷۰ سخن گفتن آمد نهفته به راز   در خوابگه نرم کردند باز
۷۱ یکی **بنده** شمعی معنبر به‌دست   خرامان بیامد به‌بالین مست
خالقی: بَرده؛ نسخه‌ها: **ل، س، ق، ق^{۲}، لی، پ، و، آ، ل^{۲}، ب، ل^{۳}، لن^{۲}، س^{۲}**
۷۲ پس **بنده آمد** یکی ماه‌روی   چو خرشید تابان پر از رنگ و بوی
خالقی: بَرده اندر؛ نسخه‌ها: **س، ق، ق^{۲}، لی، آ، ل^{۲}، ب، ل^{۳}**: بنده اندر (**ل^{۲}**: آمد)، و: برده آمد
۷۳ دو ابرو کمان و دو گیسو کمند   به بالا به کردار **سروی** بلند
خالقی: سرو
۷۴ روانش خرد بود و تن جان پاک   تو گفتی کی بهره ندارد ز خاک
۷۵ ازو رستم شیردل خیره ماند   برو بر جهان‌آفرین را بخواند
۷۶ بپرسید ازو گفت نام تو چیست   چه جویی شب **تار** و کام تو چیست
خالقی: تیره؛ نسخه‌ها: **ل^{۲}**
۷۷ چنین داد پاسخ که تهمینه‌ام   تو **گفتی** کی از غم به دو نیمه‌ام
خالقی: گویی
۷۸ یکی دخت شاه سمنگان منم   بژشک هزبر و پلنگان منم
خالقی: بزشک
۷۹ به گیتی **زشاهان** مرا جفت نیست   چو من زیر **خَرخ** بلند اندکیست
خالقی: خوبان؛ نسخه‌ها: **ف، س، ق، ق^{۲}، پ، آ، ب، ل^{۳}، س^{۲}**
خالقی: چرخ
۸۰ کس از پرده بیرون **ندیده** مرا   نه هرگز کس آوا **شنیده** مرا
خالقی: ندیدی؛ نسخه‌ها: **ف، لی، پ، آ، ل^{۲}، ل^{۳}**
خالقی: شنیدی؛ نسخه‌ها: **ف، لی، پ، آ، ل^{۲}، ل^{۳}**
۸۱ به کردار افسانه از هر کسی   شنیدم **ز تو داستانها** بسی
خالقی: همی داستانت
۸۲ که از دیو و شیر و **پلنگ و نهنگ**   نترسی و هستی چنین تیزچنگ
خالقی: نهنگ و پلنگ؛ نسخه‌ها: **لی، آ، ل^{۲}**
۸۳ شب تیره تنها به توران شوی   بگردی **در آن** مرز و هم بغنوی
خالقی: بر آن
۸۴ به تنها یکی گور بریان کنی   هوا را به شمشیر گریان کنی
۸۵ بدرّد دل شیر و چنگ پلنگ   هر آنگه که گرز تو بیند به چنگ
خالقی: مصراع دوم به‌جای مصراع اول، و مصراع اول به‌جای مصراع دوم آمده است؛ نسخه‌ها: **پ، ل^{۲}**
۸۶ برهنه چو تیغ تو بیند عقاب   **نسازد** به نخجیر کردن شتاب
خالقی: نیارد؛ نسخه‌ها: **ف، ق^{۲}**

۸۷ نشان کمند تو دارد هُزبر   ز بیم سنان تو خون بارد ابر
۸۸ چو این داستانها شنیدم ز تو   بسی لب به دندان گزیدم ز تو
خالقی: چن؛ نسخه‌ها: **ل، س، ق، ق^{۲}، لی، پ، و، آ، ب، ل^{۳}**
۸۹ بجستم همی کتف و یال و برت   بدین شهر کرد ایزد آبشخورت
۹۰ **ترا ام** کنون گر بخواهی مرا   نبیند جز این مرغ و ماهی مرا
خالقی: ترایم
۹۱ یکی آنک بر تو چنین گشته‌ام   خرد را ز بهر هوا کشته‌ام
۹۲ و دیگر که از تو مگر کردگار   نشاند یکی **شیرم** اندر کنار
خالقی: پورم؛ نسخه‌ها: **ف، ل^{۲}**
۹۳ مگر چون تو باشد به مردی و زور   سپهرش دهد **بخش** کیوان و هور
خالقی: بهر؛ نسخه‌ها: **س، ق^{۲}، آ، ل^{۲}**
۹۴ سدیگر که **رخشت** به جای آورم   سمنگان **سراسر به پای** آورم
خالقی: اسپت؛ نسخه‌ها: **ق^{۲}، لی، و، آ، ب**
خالقی: همه زیر پای؛ نسخه‌ها: **ق^{۲} پ، و، آ، ل^{۲}، ب**
۹۵ چو رستم بدان‌سان پری‌چهره دید   ز هر دانشی نزد او بهره دید
۹۶ و دیگر که از رخش داد آگهی   ندید **هیچ** فرجام جز فرهی
خالقی: ایچ؛ نسخه‌ها: **ق**
۹۷ بفرمود تا موبدی پرهنر   بیاید بخواهد ورا از پدر
خالقی: ندارد؛ نسخه‌ها: **ل، لی، پ، و، ل^{۲}، ل^{۳}، لن^{۲}، س^{۲}**
۹۸ چو بشنید شاه این سخن شاد شد   بسان یکی سرو آزاد شد
خالقی: ندارد؛ نسخه‌ها: **ل، لی، پ، ل^{۲}، ل^{۳}، لن^{۲}، س^{۲}**
۹۹ بدان پهلوان داد آن دخت خویش   بدان سان کی بودست آیین و کیش
خالقی: ندارد؛ نسخه‌ها: **پ، و، ل^{۲}، ل^{۳}، لن^{۲}، س^{۲}**
۱۰۰ چو بسپرد دختر بدان پهلوان   [از آن] شاد گشتند پیر و جوان
خالقی: ندارد؛ نسخه‌ها: **لی، ل^{۲}، ل^{۳}، س^{۲}**
۱۰۱ زشادی همه جان برافشاندند   بر آن پهلوان آفرین خواندند
خالقی: ندارد؛ نسخه‌ها: **ل، لی، ل^{۲}، ل^{۳}، س^{۲}**
۱۰۲ کی این ماه نو بر تو فرخنده باد   سر بدسگالا ن تو کنده باد
خالقی: ندارد؛ نسخه‌ها: **ل، ل^{۲}، ل^{۳}، س^{۲}**
۱۰۳ به خشنودی و رای و فرمان اوی   به خوبی بیاراست پیمان اوی
۱۰۴ چو انباز او گشت با او به راز   ببود آن شب **تیره** دیر یاز
خالقی: تیره و؛ نسخه‌ها: **ق، ق^{۲}، و، آ، ل^{۲}، ب**
۱۰۵ چو خورشید تابان ز چرخ بلند   همی خواست افکند رخشان کمند
۱۰۶ به بازوی رستم یکی مُهره بود   کی آن مهره اندر جهان شهره بود
۱۰۷ بدو داد و گفتش کی این را بدار   **گرت دختر آید ز من در کنار**
خالقی: اگر دختر آرد ترا روزگار؛ نسخه‌ها: **ل^{۲}**: گرت دختر آید سر از روزگار
۱۰۸ بگیر و به گیسوی او بر بدوز   به نیک اختر و فال گیتی فروز
۱۰۹ ور ایدونک آید **ز** اختر پسر   ببندش به بازو نشان پدر

خالقی: از؛ نسخه‌ها: **ل، ق، ب، ل^{۳}، لن^{۲}، س^{۲}**

۱۱۰ به بالای سام نریمان بود به مردی و خوی کریمان بود
۱۱۱ فرود آرد از ابر **پرّ** عقاب نتابد به تندی بر او آفتاب

خالقی: پرّان

۱۱۲ همی بود آن شب بر ماه‌روی همی گفت **از هر سخن** پیش اوی

خالقی: هر گونه‌یی؛ نسخه‌ها: **ل، ل^{۲}، ل^{۳}، لن^{۲}**

۱۱۳ چو خورشید رخشنده شد بر سپهر بیاراست روی زمین را به مهر
۱۱۴ بر رستم آمد گرانمایه شاه بپرسیدش از خواب و آرامگاه
۱۱۵ چو این گفته شد مژده دادش **ز** رخش ازو شادمان شد دل تاج‌بخش

خالقی: به؛ نسخه‌ها: **ل، پ**

۱۱۶ بیامد بمالید و زین برنهاد **ز یزدان نیکی دهش کرد یاد**

خالقی: شد از رخش رخشان و از شاه شاد؛ نسخه‌ها: **پ، ل^{۲}**

۱۱۷ **وز آنجا سوی سیستان شد** چو باد وزین داستان کرد بسیار یاد[20]

خالقی: بیامد سوی شهر ایران؛ نسخه‌ها: **پ، ل^{۳}، لن^{۲}**

داستان رستم و اسفندیار

۱ کنون خورد باید می خوش‌گوار که می بوی مشک آید از جویبار
۲ هوا پرخروش و زمین پر ز جوش خنک آنک دل شاد دارد به‌نوش
۳ درم دارد و نقل و **نان و** نبید سر **گوسفندی** تواند برید

خالقی: جام؛ نسخه‌ها: **ق، ک، ل^{۲}، لن، و، ب**

خالقی: گوسپندی؛ نسخه‌ها: **ل، س، ق، ک، ل^{۲}، س^{۲}، لن، ق^{۲}، لی، پ، و، لن^{۲}، آ، ب**

۴ مرا نیست **خرّم کسی** راکه هست ببخشای بر مردم تنگ‌دست

خالقی: فرّخ مر آن؛ نسخه‌ها: **ک**

۵ به‌پالیز بلبل بنالد همی گل از نالهٔ او ببالد همی
۶ شب تیره بلبل نخسبد همی گل از باد و باران **نخسبد** همی

خالقی: بجنبد؛ نسخه‌ها: **ل^{۲}، ق^{۲}، ل^{۳}، لن^{۲}**

۷ **من** از ابر بینم همی باد و **دم** ندانم که نرگس چرا شد دژم

خالقی: چو؛ نسخه‌ها: **س، ک، ل^{۲}، س^{۲}، لن، ق^{۲}، لی، ل^{۳}، پ، و، آ، ب**

خالقی: نم؛ نسخه‌ها: **س، ق، ک، لن، لی، ل^{۳}، و، لن^{۲}، آ**

۸ بخندد همی بلبل از هر دوان چو بر گل نشیند **گشاده** زبان

خالقی: گشاید؛ نسخه‌ها: **س، ک، ل^{۲}، س^{۲}، لی، لن^{۲}، آ، ب**

۹ ندانم که عاشق گل آمد گر ابر **که** از ابر **یابم** خروش هزبر

خالقی: چو؛ نسخه‌ها: **س، ق، ک، ل^{۲}، س^{۲}، لن، لی، ل^{۳}، و، لن^{۲}، آ، ب**

خالقی: بینم؛ نسخه‌ها: **ق، ک، س^{۲}، ق^{۲}، ب**

۱۰ **ببندد همی دود پیرامنش** **درخشان شود جاه اندر تنش**

خالقی: بدرّد همی باد پیراهنش؛ نسخه‌ها: **ک**

خالقی: درفشان شود آتش اندر تنش؛ نسخه‌ها: **ک**

۱۱ به **پیش** هوا بر زمین شد گوا به نزدیک خورشید فرمان‌روا

خالقی: عشق؛ نسخه‌ها: **ک**

۱۲ که داندکی بلبل چه گوید همی به‌زیر گل اندر چه **بوید** همی

خالقی: موید؛ نسخه‌ها: **لی، پ، ب**

۱۳ **سحرگه نگه کن کی** تا بشنوی ز بلبل سخن گفتن پهلوی

خالقی: نگه کن سحرگاه؛ نسخه‌ها: **ک**

۱۴ همی نالد از مرگ اسفندیار ندارد جز از ناله زو یادگار
۱۵ چو آواز رستم شب تیره ابر بدرّد دل و گوش غرّان هزبر

[آغاز داستان]

ز **موبد** شنیدم یکی داستان که برخواند از گفتهٔ باستان[21]

خالقی: بلبل؛ نسخه‌ها: **ک، ل^{۲}، ب**

در پایان این سه بخش، در جدول زیر نشان داده‌ام که در هر یک از این بخش‌ها، ضبط شاهنامهٔ مستوفی در هر مورد چند بار با ضبط هریک از نسخه‌بدل‌های شاهنامهٔ تصحیح خالقی مطلق یکسان است. مثلاً در مقدمهٔ شاهنامه، ضبط مستوفی ۱۵ بار با ضبط نسخهٔ کتابخانهٔ بریتانیا مورَّخ ۶۷۵ مطابقت دارد، ۲۰ بار با ضبط نسخهٔ طوپقاپوسرای، مورَّخ ۷۳۱، ۲۰ بار با ضبط نسخهٔ کتابخانهٔ دولتی لنینگراد مورَّخ ۷۳۳ و … .

نشانهٔ رمز	مقدمه	رستم و سهراب	رستم و اسفندیار
ف	**۱**	**۷**	
ل	**۱۵**	**۲۶**	**۱**
س	**۲۰**	**۳۵**	**۵**
لن	**۲۰**	**۲۶**	**۵**
ق	**۱۲**	**۳۱**	**۵**
ک[22]			**۱۳**
ق^{۲}	**۲۰**	**۳۹**	**۴**
لی	**۲۰**	**۳۸**	**۶**
پ	**۱۸**	**۴۴**	**۳**
و	**۱۸**	**۲۵**	**۵**
آ	**۱۵**	**۳۹**	**۵**
ل^{۲}	**۱۴**	**۵۸**	**۷**
ب	**۲۰**	**۳۸**	**۸**
ل^{۳}	**۱**	**۳۹**	**۵**
لن^{۲}	**۱**	**۳۶**	**۵**
س^{۲}		**۳۰**	**۵**

---

[20] مستوفی، ۱۳۷۷، ۱: ۲۲۱ــ۲۲۵؛ فردوسی، ۱۳۶۹ــ ۱۳۸۶، ۲: ۱۱۷ــ۱۲۵.

[21] مستوفی، ۱۳۷۷، ۲: ۹۰۸ــ۹۰۹؛ فردوسی، ۱۳۶۹ــ ۱۳۸۶، ۵: ۲۹۱ــ۲۹۲.

[22] در دفتر یکم و دوم شاهنامه تصحیح خالقی مطلق از این نسخه استفاده نشده است.

با توجه به آنچه گذشت، به نظر نویسندهٔ این سطور، حمداللّه مستوفی در تصحیح شاهنامه از نسخه‌های متعددی ــ که البته نه تعداد آنها را می‌دانیم و نه تاریخ کتابتشان را ــ سود برده است و گواه ما جدول بالا است.

۲. شاهنامهٔ بایسنغری

در حدود یک صد و ده سال پس از تصحیح مستوفی، شاهنامهٔ فردوسی بار دیگر در هرات ــ و بی خبر از تصحیح وی ــ تصحیح شده که خوشبختانه از آن یک نسخه موجود است. این نسخه، همان شاهنامهٔ بایسنغری است که برخلاف شاهنامهٔ مستوفی شهرت بسیار دارد. ناگفته نماند که آگاهی ما دربارهٔ کیفیت تصحیح شاهنامهٔ بایسنغری به‌مراتب کمتر از شاهنامهٔ مستوفی ست. زیرا اطلاعات ما در این باب محدود است به آنچه به اختصار در مقدمهٔ این نسخه آمده است:

> اما بعد، در این ایام که تاریخ هجری به هشتصد و بیست و نه رسیده است، حضرت شاه و شاهزادهٔ اعظم... امیرزاده بایسنغر [کذا] ــ خان لازالت رایات نصرته و جلاله ــ ... گاه گاهی به مطالعهٔ شهنامه که فردوسی گفته است و در نظم آن درّ دری سفته است اشتغال می‌نمود. هر چند شهنامه‌های متعدد در کتبخانهٔ همایون مُعِد بوده، اما چنانک مزاج نازک و طبع لطیف شه و شهزاده آن را پسندیدی نبود... اشارت همایون نافذ گشت که از چند کتاب یکی را مصحَح ساخته مکمل گردانند... در دیباچه حکایت جمع آوردن باستان نامه که اصل شهنامه است و جمعی شعرا که به نظم آن مشغول شدند تا آن زمان که بر فردوسی اتفاق کردند و تمام کردن فردوسی شهنامه را و حکایت حرمان و نومیدی او از سلطان محمود... .[23]

اگر می‌دانیم که شاهنامهٔ مستوفی به‌توسط مردی مورّخ و جغرافیدان و شاعر، که ظفرنامه را در هفتاد و پنج هزار بیت به‌نظم آورده تصحیح شده است، نمی‌دانیم شاهنامهٔ بایسنغری به دست چه کسی یا کسانی تصحیح و تکمیل گردیده و اهلیت آنان در این امر تا چه حد بوده است. در مورد شاهنامهٔ بایسنغری به مانند شاهنامهٔ مستوفی معلوم می‌شود که شاهنامه‌های متعددی اساس تصحیح و تکمیل کتاب بوده است. تنها چیزی که در این تصحیح جلب توجه می‌کند «اشارت همایون» به‌نگارش دیباچه‌ای بر شاهنامه است، در حالی که شاهنامهٔ‌مستوفی فاقد دیباچه و مقدمه است.

کتابت شاهنامهٔ بایسنغری که در سال ۸۲۹ق آغاز گردیده بود، در سال ۸۳۳ به پایان رسیده است. این چهار پنج سال صرف تصحیح و تکمیل و کتابت آن و نیز فراهم کردن تصاویری شده است که بر آن افزوده‌اند. این نسخه متعلق به کتابخانهٔ سلطنتی ایران است. متن انجامهٔ آن بدین شرح است:

> قد وقع الفراغ من تحریر هذا الکتاب الشریف... باشاره الخان بن الخان سلطان سلاطین العهد والزمان... غیاث‌السلطنه والدنیا والدین بایسنغر بهادر سلطان ــ خلّد اللّه تعالی ملکه و سلطانه ــ علی ید العبد الضعیف المفتقر الی رحمة اللّه الباری جعفر بایسنغری ــ اصلح اللّه احواله فی الخامس من جمادی الاولی لسنه ثلاث و ثلثین و ثمانمایه هلالیه والحمدللّه اولاً و آخراً.[24]

دربارهٔ شاهنامهٔ مستوفی گفتیم که از نسخه‌های کهن شاهنامهٔ فردوسی که اینک در گوشه و کنار جهان موجود است و استاد خالقی‌مطلق در تصحیح شاهنامه از آنها استفاده کرده است، فقط دو نسخهٔ **ف**: کتابخانهٔ فلورانس (نیمهٔ اول شاهنامه) مورَّخ ۶۱۴ ق و **ل**: کتابخانهٔ بریتانیا، مورَّخ ۶۷۵ ق می‌باشد که تاریخ کتابتشان مقدم است بر تاریخ تصحیح مستوفی (۷۱۴ تا ۷۲۰ق)، و به احتمالی ممکن است مستوفی در تصحیح شاهنامه از این دو نسخه، یا مادر نسخهٔ این دو، نیز استفاده کرده باشد. ولی در مورد شاهنامهٔ بایسنغری که در فاصلهٔ سال‌های ۸۲۹ تا ۸۳۳ ق تصحیح و تکمیل گردیده است، به جز آن دو نسخه، تاریخ کتابت پنج نسخهٔ دیگر ــ از نسخ مورد استفادهٔ خالقی مطلق ــ مقدم است بر سال تصحیح شاهنامهٔ بایسنغری. بدین شرح:

س: کتابخانهٔ طوپقاپوسرای، مورَّخ ۱۳۳۰/۷۳۱.
لن: کتابخانهٔ عمومی لنینگراد، مورَّخ ۱۳۳۳/۷۳۳.
ق: دارالکتب قاهره، مورَّخ ۱۳۴۱/۷۴۱.
ک: موزهٔ ملی کراچی، مورَّخ ۱۳۵۱/۷۵۲.
ق۲: دارالکتب قاهره، مورَّخ ۱۳۹۴/۷۹۶.

پس مصحح یا مصححان شاهنامهٔ‌بایسنغری اگر این هفت نسخه را که امروز موجود است در اختیار نداشته‌اند، محتملاً از مادر نسخهٔ این هفت نسخه در کار خود سود برده‌اند.

اینک برای نشان دادن این‌که مصححان شاهنامهٔ‌بایسنغری

---

[23] فردوسی، ۱۳۵۰: ۹.

[24] همان: ۶۹۰.

از چه نسخه‌هایی در کار خود استفاده کرده‌اند، نخست سه بخش از شاهنامهٔ بایسنغری: ۶۷ بیت از دیباچهٔ شاهنامه، ۱۴۶ بیت از آغاز داستان رستم و سهراب، و ۱۶ بیت از آغاز داستان رستم و اسفندیار را استنساخ و آنها را کلمه به کلمه و بیت به بیت با شاهنامهٔ تصحیح خالقی مطلق مقابله کردم. در هر مورد که نسخهٔ بایسنغری با تصحیح خالقی تفاوت دارد، ضبط بایسنغری را در بیت با حروف سیاه مشخص کرده، و آن گاه به زیرنویس همان بیت در شاهنامهٔ خالقی مراجعه کرده و نشان داده‌ام که ضبط بایسنغری در کدام یک از نسخه‌بدل‌های خالقی در زیرنویس همان بیت آمده است. این گونه نسخه‌بدل‌ها را در زیر همان بیت در سمت راست نوشته‌ام و ضبط خالقی را در سمت چپ. به طور مثال ضبط مصراع اول بیت ۶ در مقدمهٔ بایسنغری با ضبط خالقی متفاوت است، ولی ضبط بایسنغری با ضبط نُه نسخه‌بدل خالقی یکسان است:

نیابد بدو نیز اندیشه راه　　که او برتر از نام و از جایگاه
خالقی: نه اندیشه یابد بدو نیز؛ نسخه‌ها: **ل، س، لن، ق^{۲}، لی، پ، و، آ، ب**

بیت ۵۰ در مقدمهٔ نسخهٔ بایسنغری با ضبط نسخه‌بدل‌های **س، لن، ق، ق^{۲}، لی، پ، و، آ، ل^{۲}، ب** نزدیک است.

درو **بخشش و داد** آمد پدید　　ببخشید داننده چونان سزید
خالقی: ده و دو برج؛ نسخه‌ها:**س، لن، ق، ق^{۲}، لی، پ، و، آ، ل^{۲}، ب** : درو بخشش و دادن

اینک پیش از نقل سه بخش مذکور از شاهنامهٔ بایسنغری و مقابلهٔ آن با شاهنامهٔ تصحیح استاد خالقی مطلق چند توضیح زیر را لازم می‌دانم:

۱. هرجا بیتی در شاهنامهٔ بایسنغری آمده که در متن شاهنامهٔ خالقی نیست، ولی در زیرنویس همان بیت به عنوان نسخه‌بدل در شاهنامهٔ خالقی مذکور است، در این مقاله، در زیر آن بیت تنها به ذکر نشانهٔ رمز نسخه‌بدل یا نسخه‌بدل‌هایی پرداخته‌ام که بیت شاهنامهٔ بایسنغری در آنها آمده است، ولی به تفاوت ضبط این نسخه‌بدل‌ها با ضبط شاهنامهٔ بایسنغری اشاره‌ای نکرده‌ام، مانند:

بیت ۱۷ در مقدمهٔ شاهنامه:

چو دانسته شد هستی کردگار　　دگر خاطر خویش رنجه مدار
خالقی: ندارد؛ نسخه‌ها: **ل، پ**

بیت ۵ در آغاز داستان رستم و سهراب:

بیامد به رخش اندر آورد پای　　برانگیخت آن کوه پیکر ز جای
خالقی: ندارد؛ نسخه‌ها: **س، ق^{۲}، لی، آ، ب**

۲. رسم الخط شاهنامهٔ بایسنغری را در اتصال و انفصال کلمات و جز آن مراعات نکرده‌ام. چهار حرف: **پ، چ، ژ، گ** را همه‌جا به‌همین شکل نوشته‌ام، گرچه در نسخهٔ بایسنغری سه حرف اول در مواردی با سه نقطه و اکثر با یک نقطه، و «گ» در تمام موارد به شکل «ک» نوشته شده است.

۳. به پس و پیشی بیت‌ها و مصراع‌ها در مقابله با شاهنامهٔ خالقی اشاره نکرده‌ام.

۴. مشخصات شاهنامه‌هایی راکه خالقی مطلق در این سه بخش مورد استفاده قرار داده، همان‌هاست که در «شاهنامهٔ مستوفی» یاد کرده‌ام.

اینک می‌پردازم به نقل سه بخش از شاهنامهٔ بایسنغری، به شرحی که پیش از این به آن اشاره کرده‌ام و مقابلهٔ آن با شاهنامهٔ تصحیح خالقی مطلق.

[دیباچه]

١　به نام خداوند جان و خرد　　کزین برتر اندیشه بر نگذرد
٢　خداوند نام و خداوند جای　　خداوند **روزی‌ده** رهنمای
خالقی: روزی‌ده و؛ نسخه‌ها: **لن، ق، ق^{۲}، لی، و، آ، ل^{۲}، ب**
٣　خداوند **کیهان** و گردان سپهر　　فروزندهٔ ماه و ناهید و مهر
خالقی: کیوان؛ نسخه‌ها: **لن، ق^{۲}، لی، ب**
۴　ز نام و نشان و گمان برترست　　نگارندهٔ بر شده گوهرست
۵　به بینندگان آفریننده را　　نبینی مرنجان دو بیننده را
۶　**نیابد بدو نیز اندیشه** راه　　که او برتر از نام و از جایگاه
خالقی: نه اندیشه یابد بدو نیز؛ نسخه‌ها: **ل، س، لن، ق^{۲}، لی، پ، و، آ، ب**
٧　یقین دان که هرگز نیاید پدید　　به وهم اندر آن کس که وهم آفرید
خالقی: ندارد؛ نسخه‌ها: **ل**
٨　سخن هرچه زین گوهران بگذرد　　نیابد بدو راه جان و خرد
٩　خرد **کو** سخن برگزیند همی　　همان را ستاید که بیند همی
خالقی: گر
١٠　ستودن نداند کس او را چو هست　　میان بندگی را ببایدت بست
١١　خرد را و جان را همی سنجد او　　در اندیشهٔ **سخت** کی گنجد او
خالقی: سخته؛ نسخه‌ها: **ل^{۲}**
١٢　بدین **آلت و** رای و جان و زبان　　ستود آفریننده را **چون** توان
خالقی: آلت؛ نسخه‌ها: **ف، س، لی، پ، و، آ، ل^{۲}، ب**
خالقی: کی؛ نسخه‌ها: **س، ق^{۲}، لی، پ، ب**
١٣　به هستیش باید که **خشنو** شوی　　ز **گفتار و** بیکار یک سو شوی
خالقی: خستو؛ نسخه‌ها: **ل^{۲}**

خالقی: گفتار؛ نسخه‌ها: **لن، لی، آ، ل^{۲}، ب**
۱۴ پرستنده باشی و جوینده راه   به ژرفی به فرمانش **کرده** نگاه
خالقی: کردن
۱۵ توانا بود هر که دانا بود   ز دانش دل پیر برنا بود
۱۶ ازاین پرده برتر سخن‌گاه نیست   ز هستی مر اندیشه را راه نیست
[خالقی: گفتار اندر ستایش خرد]
۱۷ چو دانسته شد هستی کردگار   دگر خاطر خویش رنجه مدار
خالقی: ندارد؛ نسخه‌ها: **ل، پ**
۱۸ کنون ای خردمند **وصف** خرد   بدین جایگه گفتن اندر خورد
خالقی: ارج؛ نسخه‌ها: **ل، س، لن، ق^{۲}، لی، پ، و، ب**

اندر ستایش خرد

۱۹ کنون تا چه داری بیار از خرد   که گوش ستاینده زو برخورد
خالقی: ندارد؛ نسخه‌ها: **س، لن، ق، ق^{۲}، لی، پ، آ، ل^{۲}، ب**
۲۰ خرد بهتر از هر چه **یزدانت** داد   ستایش خرد را به از راه داد
خالقی: ایزدت
۲۱ خرد رهنمای و خرد دلگشای   خرد دست گیرد به هر دو سرای
۲۲ خرد بر هوا کامکاری دهد   ز هر بد خرد رستگاری دهد
خالقی: ندارد.
۲۳ نه بی جان خرد آشنایی دهد   نه جان بی خرد روشنایی دهد
خالقی: ندارد.
۲۴ خرد دان ز هر بد نکوتر پناه   خرد دور دارد روان از گناه
خالقی: ندارد.
۲۵ از او شادمانی و **زو پر** غمیست   **وزو هم** فزونی و هم زو کمیست
خالقی: زویت؛ نسخه‌ها: **پ، و، ل^{۲}**
خالقی: و زویت
۲۶ چه گفت آن **خردمند مرد** خرد   که دانا ز گفتار او برخورد
خالقی: سخنگوی مرد از؛ نسخه‌ها: **ل، س، پ، و، آ، ل^{۲}، ب**
۲۷ خرد تیره و مرد روشن روان   نباشد همی شادمان یک زمان
۲۸ هشیوار دیوانه خواند ورا   همان خویش بیگانه **خواند** ورا
خالقی: داند؛ نسخه‌ها: **ل**
۲۹ کسی کو خرد را ندارد به پیش   دلش گردد از کردهٔ خویش ریش
۳۰ ازویی به هر دو سرای ارجمند   گسسته خرد پای دارد به بند
۳۱ خرد چشم جان است چون بنگری   **تو** بی چشم شادان جهان نسپری
خالقی: که؛ نسخه‌ها: **ل، س، لن، ق^{۲}، لی، پ، و، آ، ب**
۳۲ نخست آفرینش خرد را شناس   نگهبان جان است و آن سه پاس
۳۳ سه پاس تو **گوش است و چشم** و زبان   کزین سه **رسد** نیک و بد بی گمان
خالقی: چشم‌ست و گوش؛ نسخه‌ها: **س، ق، ق^{۲}، پ، و، ل^{۲}**
خالقی: بود؛ نسخه‌ها: **ل، س، لن، ق، ق^{۲}، لی، پ، و، ل^{۲}**
۳۴ خرد را و جان را که **یارد** ستود   وگر من ستایم که **داند** شنود
خالقی: داند؛ نسخه‌ها: **ل، س، لن، ق^{۲}، لی، پ، و، آ، ب**
خالقی: یارد
۳۵ همیشه خرد را تو دستور دان   تن و جانت از ناسزا دور دان
خالقی: ندارد؛ نسخه‌ها: **ق، پ، و**
۳۶ حکیما چو کس نیست گفتن چه سود   ازین پس بگو کافرینش چه بود
۳۷ **به گفتار** دانندگان راه جوی   به گیتی بپوی و به هر کس بگوی
خالقی: به دانش ز؛ نسخه‌ها: **ل، ق، پ، و، ب**
۳۸ ز هر دانشی چون سخن بشنوی   **از** آموختن یک زمان **نشنوی**
خالقی: ز؛ نسخه‌ها: **ق^{۲}، لی**
خالقی: نغنوی
۳۹ چو دیدار یابی به شاخ سخن   بدانی که **بارش** نیاید به بن
خالقی: دانش

اندر آفرینش عالم

خالقی: **گفتار اندر وصف آفرینش عالم**
۴۰ از آغاز باید که دانی درست   سر مایهٔ گوهران از نخست
۴۱ که یزدان ز ناچیز چیز آفرید   بدان تا توانایی آمد پدید
۴۲ وزو **مایه‌ور** گوهر آمد چهار   برآورده بی رنج و بی روزگار
خالقی: مایهٔ
۴۳ یکی **آتشی** برشده تابناک   میان باد و آب از بر تیره خاک
خالقی: آتش؛ نسخه‌ها: **ل، س، لن، ق، لی، پ، آ، ل^{۲}، ب**
۴۴ نخستین که آتش ز جنبش دمید   ز گرمیش پس خشکی [آمد] پدید
۴۵ وزان پس از آرام سردی نمود   ز سردی همان باز تری فزود
۴۶ چو این چار گوهر به جای آمدند   ز بهر سپنجی سرای آمدند
۴۷ گهرها یک اندر دگر ساختند   **ز هر** گونه گردن برافراختند
خالقی: دگر؛ نسخه‌ها: **ل، س، لن، ق، ق^{۲}، لی، پ، و، آ، ل^{۲}، ب**
۴۸ پدید آمد این گنبد تیز رو   شگفتی نمایندهٔ نو به نو

در بیان آفرینش افلاک و انجم

خالقی: این عنوان را ندارد.
۴۹ ابر ده و دو هفت شد کدخدای   گرفتند هر یک سزاوار جای
۵۰ درو **بخشش و داد** آمد پدید   ببخشید داننده چونان سزید
خالقی: ده و دو برج؛ نسخه‌ها: **س، لن، ق، ق^{۲}، لی، پ، و، آ، ل^{۲}، ب**: بخشش و دادن
۵۱ فلک‌ها یک اندر دگر بسته شد   بجنبید چون کار پیوسته شد
۵۲ زمین را بلندی نبد جایگاه   یکی مرکزی تیره بود و سیاه
۵۳ ستاره به سر بر شگفتی نمود   به خاک اندرون روشنایی فزود
۵۴ زمین شد به کردار روشن چراغ   چو دریا و چون **کوه و چون دشت** و راغ

خالقی: دشت و چون کوه؛ نسخه‌ها: **س، ق، لی، پ، و، آ، ل۲، ب**
در چاپ خالقی دو مصراع پس و پیش است

۵۵ ببالید کوه آبها بردمید   سر رستنی سوی بالا کشید
۵۶ همی بر شد ابر و فرود آمد آب   همی گشت گرد زمین آفتاب
۵۷ گیا رست با چند گونه درخت   به **ابر** اندر آمد سرانشان ز **بخت**

خالقی: زیر؛ نسخه‌ها: **لی، ب**
خالقی: بخت

۵۸ ببالد ندارد جز این نیروی   نپوید چو پویندگان هر سویی
۵۹ از آن پس چو جنبنده آمد پدید   **سر** رستنی **سوی** خویش آورید

خالقی: همه؛ نسخه‌ها: **ل۲**: همی
خالقی: زیر؛ نسخه‌ها: **ل**

۶۰ سرش زیر **مانده** به سان درخت   نگه کرد باید بدین کار سخت

خالقی: نامد

۶۱ خور و خواب و آرام جوید همی   وزان زندگی **نام** جوید همی

خالقی: کام

۶۲ نه گویا زبان و نه جویا خرد   **ز خار و ز خاشاک تن** پرورد

خالقی: ز خاشاکها خویشتن پرورد؛ نسخه‌ها: **ل، س، لن، ق۲، لی، پ، و، آ، ب**: ز خاک (**و، آ**: ز خار) و ز خاشاک تن

۶۳ نداند بد و نیک فرجام کار   نخواهد ازو بندگی کردگار
۶۴ چو دانا توانا بد و دادگر   ازیرا نکرد **آنچ** پنهان هنر

خالقی: ایچ

۶۵ ز مرغ و ز ماهی ز دام و ز دد   نه دانش پدید آمد و نی خرد

خالقی: ندارد.

۶۶ خرد بخششان چون خرد داده نیست   به جز زندگی مرگ را زاده نیست

خالقی: ندارد.

۶۷ چنین است فرجام کار جهان   نداند کسی آشکار و نهان[۲۵]

داستان رستم دستان با سهراب

خالقی: داستان رستم و سهراب

۱ کنون رزم سهراب و رستم شنو   دگرها شنیدستی این هم شنو

خالقی: ندارد؛ نسخه‌ها: **س، لن، ق، ق۲، لی، پ، آ، ل۲، ب، ل۳، لن۲، س۲**

۲ کزین پس چو عنبر سخن بویمت   ز سهراب و رستم سخن گویمت

خالقی: ندارد؛ نسخه‌ها: **و**

۳ اگر تند بادی برآید ز کنج   به خاک افکند نارسیده ترنج
۴ ستمکاره خوانیمش **از** دادگر   **خردمند خوانیمش از بیخبر**

خالقی: ار؛ نسخه‌ها: **و، ل۲**
خالقی: هنرمند گوییمش ار بی هنر؛ نسخه‌ها: **لن، ل۲، لن۲**: هنرمند خوانیمش ار بی هنر

۵ اگر مرگ دادست بیداد چیست   ز داد این همه بانگ و فریاد چیست
۶ چه مردم چه شیر و چه گرگ و چه کرگ   گرفتار دان زیر چنگال مرگ

خالقی: ندارد.

۷ نه روبه بماند نه درنده شیر   نه بددل بماند نه مرد دلیر

خالقی: ندارد؛ نسخه‌ها: **س، ق۲، لی، آ، ب**

۸ همه تا در آز رفته فراز   به کس بر نشد این در **آز** باز

خالقی: راز؛ نسخه‌ها: **س، لن، ق، ق۲، لی، پ، آ، ل۲، ب، ل۳، لن۲**

۹ ازین راز جان تو آگاه نیست   **درین** پرده اندر تو را راه نیست

خالقی: بدین

۱۰ به رفتن مگر بهتر آیدت جای   چو آرام گیری به دیگر سرای
۱۱ اگر مرگ کس را نیوباردی   ز پیر و جوان خاک نسپاردی

خالقی: ندارد؛ نسخه‌ها: **ل، س، لن، ق، ق۲، لی، آ، ل۲، ب، ل۳، لن۲، س۲**

۱۲ اگر آتشی گاه افروختن   بسوزد عجب نیست از سوختن

خالقی: ندارد؛ نسخه‌ها: **س، لن، ق۲، لی، پ، آ، ل۲، ب، ل۳، لن۲، س۲**

۱۳ بسوزد چو در سوزش آید درست   چو شاخ نو از بیخ کهنه برست

خالقی: ندارد؛ نسخه‌ها: **س، لن، ق، ق۲، لی، پ، آ، ل۲، ب، ل۳، لن۲، س۲**

۱۴ دم مرگ چون آتش هولناک   ندارد ز برنا و فرتوت باک

خالقی: ندارد؛ نسخه‌ها: **ل، س، لن، ق، ق۲، لی، پ، آ، ل۲، ب، ل۳، لن۲، س۲**

۱۵ جوان را چه باید به گیتی طرب   که نی مرگ را گشت پیری سبب

خالقی: ندارد؛ نسخه‌ها: **س، لن، ق، ق۲، لی، پ، آ، ل۲، ب، ل۳، لن۲، س۲**

۱۶ درین جای رفتن نه جای درنگ   بر اسب قضا گر کشد مرگ تنگ

خالقی: ندارد؛ نسخه‌ها: **ل، س، لن، ق، ق۲، لی، پ، آ، ل۲، ب، ل۳، لن۲، س۲**

۱۷ چنان دان که دادست و بیداد نیست   چو داد آمدش جای فریاد نیست

خالقی: ندارد؛ نسخه‌ها: **ل، س، لن، ق، ق۲، لی، پ، آ، ل۲، ب، ل۳، لن۲، س۲**

۱۸ جوانی و پیری به نزد اجل   یکی دان چو در دین نخواهی خلل

خالقی: ندارد؛ نسخه‌ها: **ل، س، لن، ق، ق۲، لی، پ، آ، ل۲، ب، ل۳، لن۲، س۲**

۱۹ دل از نور ایمان گر آکنده‌ای   تو را بندگی به که تو بنده‌ای

خالقی: ندارد؛ نسخه‌ها: **ل، س، لن، ق، ق۲، لی، پ، آ، ل۲، ب، ل۳، لن۲، س۲**

۲۰ پرستش برو پیشه کن با نیاز   همان کار روز پسین را بساز

خالقی: ندارد؛ نسخه‌ها: **س، لن، ق، ق۲، لی، پ، آ، ل۲، ب، ل۳، لن۲، س۲**

۲۱ درین کار یزدان تو را راز نیست   اگر دیو با جانت انباز نیست

---

[۲۵] فردوسی، ۱۳۵۰: ۲۵ـ۲۷؛ فردوسی، ۱۳۶۹ـ۱۳۸۶، ۱: ۳ـ۷.

خالقی: ندارد؛ نسخه‌ها: **ل، س، لن، ق، ق^{۲}، لی، پ، آ، ل^{۲}، ب، ل^{۳}، لن^{۲}، س^{۲}**

۲۲ به‌گیتی درآن‌کوش چون‌بگذری سرانجام ایمان ابا خود بری

خالقی: ندارد؛ نسخه‌ها: **ل، س، لن، ق، ق^{۲}، لی، پ، آ، ل^{۲}، ب، ل^{۳}، لن^{۲}، س^{۲}**

۲۳ بجز داد فرمای جان آفرین که داند به پرده درون راز این

خالقی: ندارد.

آغاز داستان

۲۴ کنون رزم سهراب باید شنید از آن کین که او با پدر گسترید

خالقی: ندارد؛ نسخه‌ها: **ل، لن، ق، لی، پ، ل^{۲}، ل^{۳}، لن^{۲}، س^{۲}**

۲۵ ز گفتار دهقان یکی داستان بپیوندم از گفتهٔ باستان

۲۶ **سخن‌گوی موبد چنین کرد** یاد که **رستم برآراست** از بامداد

خالقی: ز موبد برین گونه برداشت

خالقی: که یک روز رستم هم؛ نسخه‌ها: **س، لن، ق، ق^{۲}، لی، پ، و، ل^{۲}، ب، ل^{۳}، لن^{۲}، س^{۲}**

۲۷ غمی بد دلش ساز نخچیر کرد کمر بست و ترکش پر از تیر کرد

۲۸ بیامد به رخش اندر آورد پای برانگیخت آن کوه پیکر ز جای

خالقی: ندارد؛ نسخه‌ها: **س، ق^{۲}، لی، آ، ب**

۲۹ سوی مرز تورانش بنهاد روی چو شیر دژ آگاه نخچیر جوی

خالقی: ندارد؛ نسخه‌ها: **ل، لن، ل^{۲}، ل^{۳}، لن^{۲}، س^{۲}**

۳۰ **همی راند تا** مرز توران رسید بیابان سراسر پر از گور دید

خالقی: چو نزدیکی؛ نسخه‌ها: **ف**

۳۱ برافروخت چون گل رخ تاج‌بخش بخندید و **از** جای **برکرد** رخش

خالقی: ز؛ نسخه‌ها: **س، لن، ق^{۲}، لی، پ، و، آ، ل^{۲}، ب، ل^{۳}**

خالقی: برکند؛ نسخه‌ها: **س، لن، ق، ق^{۲}، لی، پ، و، ل^{۲}، ب، ل^{۳}، لن^{۲}، س^{۲}**

۳۲ به تیر و کمان و به گرز و کمند بیفکند بر دشت نخچیر چند

۳۳ **ز خار و ز خاشاک و برگ** درخت یکی آتشی برفروزید سخت

خالقی: ز خاشاک و از خار و شاخ؛ نسخه‌ها: **س، ق، ق^{۲}، آ، ب**

۳۴ چو آتش پراکنده شد پیلتن درختی بجست **از پی** باب‌زن

خالقی: از در

۳۵ یکی نره گوری بزد بر درخت که در چنگ او پر مرغی نسخت

۳۶ چو بریان شد از هم بکند و بخورد ز مغز استخوانش برآورد گرد

۳۷ سوی چشمه روشن آمد به آب چو سیراب شد کرد آهنگ خواب

خالقی: ندارد.

۳۸ **بخفت** و برآسود از روزگار چمان و چران رخش در مرغزار

خالقی: بخفت

۳۹ ز **توران‌سری با** تنی هفت هشت **بدان** دشت **نخچیرگه** برگذشت

خالقی: سواران ترکان

خالقی: برآن؛ نسخه‌ها: **ق، ق^{۲}، لی، آ**

خالقی: نخچیرگان؛ نسخه‌ها: **ل، س، لن، ق، ق^{۲}، لی، پ، و، آ، ل^{۲}، ب، لن^{۲}**

۴۰ پی **رخش** دیدند در مرغزار بگشتند گرد لب جویبار

خالقی: اسپ؛ نسخه‌ها: **س، لن، ق، ق^{۲}، لی، پ، و، آ، ل^{۲}، ب، ل^{۳}، لن^{۲}، س^{۲}**

۴۱ چو بر دشت مر رخش را یافتند سوی بند کردنش بشتافتند

۴۲ چو رخش آن کمند سواران بدید به کردار شیر ژیان بردمید

خالقی: ندارد؛ نسخه‌ها: **لن، لن^{۲}، لی، آ، س، ق^{۲}، ب، پ، و، ل^{۳}**

۴۳ دو تا را به زخم لگد کرد پست یکی را به دندان سر از تن گسست

خالقی: ندارد؛ نسخه‌ها: **لن، لن^{۲}، لی، آ، س، ق^{۲}، ب، پ، و، ل^{۲}، ل^{۳}**

۴۴ سه تن کشته شد مهتر و ارجمند نیامد سر رخش جنگی به بند

خالقی: ندارد؛ نسخه‌ها: **لن، لن^{۲}، لی، آ، ل^{۲}**

۴۵ سواران ز هر سو برون تاختند کمند کیانی درانداختند

خالقی: ندارد؛ نسخه‌ها: **لن، لن^{۲}، لی، آ، س، ق^{۲}، ب**

۴۶ گرفتند و بردند پویان به شهر همی **هرکس** از رخش جستند بهر

خالقی: هر یک؛ نسخه‌ها: **س، لن، ق^{۲}، پ، آ، ل^{۲}، ب، ل^{۳}، لن^{۲}**

۴۷ چو بیدار شد رستم از خواب خوش به کار آمدش بارهٔ دستکش

۴۸ بدان مرغزار اندرون بنگرید ز هر سو همی بارگی را ندید

خالقی: ندارد؛ نسخه‌ها: **س، لن، ق^{۲}، لی، پ، آ، ب، لن^{۲}**

۴۹ غمی گشت چون بارگی را نیافت سراسیمه سوی سمنگان شتافت

۵۰ همی گفت کاکنون پیاده نوان کجا پویم از ننگ **تیره وران**

خالقی: تیره روان

۵۱ ابا ترکش و **گرز و بسته** میان چنین ترگ و شمشیر و ببر بیان

خالقی: گرز بسته

۵۲ بیابان چگونه گذاره کنم ابا جنگ‌جویان چه چاره کنم

خالقی: ندارد؛ نسخه‌ها: **س، لن، ق^{۲}، لی، پ، آ، ل^{۲}، ب، ل^{۳}، لن^{۲}**

۵۳ چه گویند گردان که اسبش که برد تهمتن **بدین سان** بخفت **و** بمرد

خالقی: بدانجا؛ نسخه‌ها: **ل، لن، ق، لی، ل^{۳}، س^{۲}**: بدین سان.

خالقی: ار؛ نسخه‌ها: **ل، س، لن، ق^{۲}، لی، آ، ب، ل^{۳}، لن^{۲}**

۵۴ کنون رفت باید به بیچارگی به غم دل سپردن به‌یکبارگی

۵۵ همی بست باید **سلاح** و کمر به‌جایی نشانش بیابم مگر

خالقی: سلیح؛ نسخه‌ها: **س، لی، آ**

۵۶ چو نزدیک شهر سمنگان رسید خبر زو به **شاه** پلنگان رسید

خالقی: شیر و؛ نسخه‌ها: **س، ق^{۲}، لی، آ، ب، ل^{۳}**

۵۷ که آمد پیاده گو تاج بخش به نخجیرگه زو رمیدست رخش

۵۸ پدیره شدندش بزرگان **شاه** کسی کو به سر بر نهادی کلاه

خالقی: و شاه
۵۹ چو رستم پیاده برآمد ز راه   فرود آمد از زین گرانمایه شاه
خالقی: ندارد.
۶۰ پیاده برفتند شاه و مهان   به‌نزدیک آن سرفراز جهان
خالقی: ندارد.
۶۱ همی‌گفت‌هرکس‌که‌این‌رستمست   **و یا** آفتاب سپیده‌دمست
خالقی: وگر؛ نسخه‌ها: **س، ق^{۲}، لی، پ، و، ب**
۶۲ بدو گفت شاه سمنگان چه بود   که یارست با تو نبرد آزمود
۶۳ بدین شهر ما نیکخواه توایم   **ستاده** به فرمان و راه توایم
خالقی: ستوده؛ نسخه‌ها: **س، ق^{۲}، لی، پ، و، آ، ب، ل^{۳}، لن^{۲}**
۶۴ تن و خواسته زیر فرمان توست   سر ارجمندان و جان آن توست
۶۵ **تهمتن** به گفتار او بنگرید   ز بدها گمانیش کوتاه دید
خالقی: چو رستم؛ نسخه‌ها: **س، ق^{۲}، آ، ب**
۶۶ بدو گفت رخشم **درین** مرغزار   ز من دور شد بی لگام و فسار
خالقی: بدین
۶۷ کنون تا سمنگان نشان پی است   **وزان سو** کجا جویبار و نی است
خالقی: بدان سر؛ نسخه‌ها: **ق، ق^{۲}، لی، پ**
۶۸ تو را باشد ار بازجویی سپاس   **ز یزدان و** پاداش نیکی شناس
خالقی: بیابد به
۶۹ ور ایدونک **رخشم نیامد پدید**   سران را بسی سر بباید برید
خالقی: ماند ز من ناپدید؛ نسخه‌ها: **س، ق^{۲}، لی، پ، و، آ، ل^{۲}، ب، لن^{۲}**: رخشم نیاید پدید
۷۰ بدو گفت شاه ای سرافراز مرد   نیارد کسی با تو این کار کرد
۷۱ تو مهمان ما باش و تندی مکن   به کام تو گردد سراسر سخن
۷۲ که تندی و تیزی نیاید به کار   به نرمی برآید ز سوراخ مار
خالقی: ندارد؛ نسخه‌ها: **س، ق، ق^{۲}، لی، پ، آ، ب، ل^{۳}، لن^{۲}**
۷۳ یک امشب به می شاد داریم دل   **وز** اندیشه آزاد داریم دل
خالقی: از.؛ نسخه‌ها: **ل، س، ق، ق^{۲}، لی، پ، و، آ، ل^{۲}، ب، ل^{۳}، س^{۲}**
۷۴ پی رخش **رستم** نماند نهان   چنان **بارهٔ نامدار** جهان
خالقی: هرگز؛ نسخه‌ها: **س، ق^{۲}، پ، آ، ل^{۲}، ب، لن^{۲}**
خالقی: بارهٔ نامور در؛ نسخه‌ها: **ل، س، ق^{۲}، لی، و، آ، ل^{۲}، ب، ل^{۳}، س^{۲}**: بارهٔ نامدار
۷۵ تهمتن ز گفتار او شاد شد   روانش **ز** اندیشه آزاد شد
خالقی: از؛ نسخه‌ها: **ل، ق، ق^{۲}، لی، پ، و، ل^{۲}**
۷۶ سزا دید رفتن سوی خان او   **شد آن مژده را شاد** مهمان او
خالقی: به‌خوبی بیاراست؛ نسخه‌ها: **و، ل^{۲}، لن^{۲}**
۷۷ مگر باز یابد ازو باره را   بباید ستودنش بیغاره را
خالقی: ندارد؛ نسخه‌ها: **ل^{۲}**
۷۸ سپهبد بدو داد در کاخ جای   همی بود **پیشش به خدمت** به پای
خالقی: بر پیش او بر
۷۹ ز شهر و ز لشکر **مهان** را بخواند   سزاوار با او به **رامش** نشاند
خالقی: سران؛ نسخه‌ها: **ل، و، ل^{۲}**
خالقی: شادی
۸۰ بفرمود خوالیگران را که خوان   بیارند و بنهند پیش گوان
خالقی: ندارد؛ نسخه‌ها: **لی**
۸۱ گسارندهٔ باده و رودساز   سیه‌چشم و گلرخ بتان طراز
۸۲ نشستند با رودسازان به هم   بدان تا سپهبد نباشد دژم
۸۳ چو شد مست و هنگام خواب آمدش   همی از نشستن شتاب آمدش
۸۴ سزاوار او جای آرام و خواب   بیاراست و بنهاد مشک و گلاب

آمدن تهمینه به بالین رستم

خالقی: گفتار اندر آمدن تهمینه دختر شاه سمنگان به‌بالین رستم.
۸۵ چو یک **نیمه** از تیره‌شب درگذشت   شباهنگ بر چرخ گردان بگشت
خالقی: بهره؛ نسخه‌ها: **س، ق^{۲}، لی، آ، ب.**
۸۶ سخن **گفته** آمد نهفته به راز   در خوابگه نرم کردند باز
خالقی: گفتن؛ نسخه‌ها: **س، ق^{۲}، لی، پ.**
۸۷ یکی **بنده** شمعی معنبر به دست   خرامان بیامد به بالین مست
خالقی: برده؛نسخه‌ها: **ل، س، ق، ق^{۲}، لی، پ، و، آ، ل^{۲}، ب، ل^{۳}، لن^{۲}، س^{۲}**
۸۸ پس پرده اندر یکی ماهروی   چو خورشید تابان پر از رنگ و بوی
خالقی: برده؛ نسخه‌ها: **س، پ**
۸۹ دو ابرو کمان و دو گیسو کمند   به بالا به کردار سرو بلند
۹۰ لبان از طبرزد زبان از شکر   دهانش مکلّل به درّ و گهر
خالقی: ندارد؛ نسخه‌ها: **س، ق، ق^{۲}، لی، پ، و، آ، ب، لن^{۲}**
۹۱ ستاره نهان کرده زیر عقیق   تو گفتی ورا زهره آمد رفیق
خالقی: ندارد؛ نسخه‌ها: **س، ق، ق^{۲}، لی، پ، و، آ، ب، لن^{۲}**
۹۲ روانش خرد بود و تن جان پاک   تو گفتی که بهره ندارد ز خاک
۹۳ **بدو** رستم شیردل خیره ماند   بر او بر جهان‌آفرین را بخواند
خالقی: ازو
۹۴ بپرسید ازو گفت نام تو چیست   چه جویی شب تیره کام تو چیست
۹۵ چنین داد پاسخ که تهمینه‌ام   **ز اندوه تیمار بر سینه‌ام**
خالقی: تو گویی که از غم به دو نیمه‌ام.
۹۶ یکی دخت شاه سمنگان منم   بزشک هزبر و **پلنکان** منم
خالقی: پلنگان
۹۷ به‌گیتی ز **شاهان** مرا **یار** نیست   چو من زیر **این چرخ دوار نیست**
خالقی: خوبان؛ نسخه‌ها: **ف، س، ق، ق^{۲}، پ، آ، ب، ل^{۳}، س^{۲}**
خالقی: جفت؛ نسخه‌ها: **ب**
خالقی: چرخ بلند اند کیست

۹۸ کس از پرده بیرون **ندیده** مرا   نه هرگز کس آوا **شنیده** مرا
خالقی: ندیدی؛ نسخه‌ها: **ف، لی، پ، آ، ل^{۲}، ل^{۳}**
خالقی: شنیدی؛ نسخه‌ها: **ف، لی، پ، آ، ل^{۲}، ل^{۳}**
۹۹ به‌کردار افسانه از هر کسی   شنیدم همی داستانت بسی
۱۰۰ که از دیو و شیر و نهنگ و پلنگ   نترسی **ز مردان به هنگام جنگ**
خالقی: و هستی چنین تیزچنگ
۱۰۱ شب تیره تنها به توران شوی   بگردی **بدان** مرز و هم **بغنوی**
خالقی: بران؛ نسخه‌ها: **س، ق، ق^{۲}، لی، آ، ب**
خالقی: بغنوی؛ نسخه‌ها: **ل، س، ل^{۲}**
۱۰۲ به‌تنها یکی گور بریان کنی   هوا را به شمشیر گریان کنی
۱۰۳ هر آنگه‌که گرز تو بیند به چنگ   بدرّد دل شیر و **چرم** پلنگ
خالقی: چنگ؛ نسخه‌ها: **و، آ، ل^{۲}، ل^{۳}، س^{۲}**
۱۰۴ برهنه چو تیغ تو بیند عقاب   نیارد به نخچیر کردن شتاب
۱۰۵ نشان کمند تو دارد هزبر   ز بیم سنان تو خون بارد ابر
۱۰۶ ز دیوان همه شهر مازندران   تهی کردی از زخم گرز گران
خالقی: ندارد؛ نسخه‌ها: **و**
۱۰۷ نه ارژنگ ماندی نه دیو سپید   نه اولاد و سنجه نه عندی نه بید
خالقی: ندارد؛ نسخه‌ها: **و**
۱۰۸ سراسر همه بوم هاماوران   به هم برزدی از کران تا کران
خالقی: ندارد؛ نسخه‌ها: **و**
۱۰۹ سواری ز مصر و ز بربر نماند   همان بر تن شاهشان سر نماند
خالقی: ندارد؛ نسخه‌ها: **و**
۱۱۰ نیارست کاوس شه چیز گفت   نه‌اندر جهان هیچ کس نیز گفت
خالقی: ندارد؛ نسخه‌ها: **و**
۱۱۱ نترسی جز از دادگستر ز کس   نه بر تو کسی را بود دسترس
خالقی: ندارد؛ نسخه‌ها: **و**
۱۱۲ **چو** این داستانها شنیدم ز تو   بسی لب به دندان گزیدم ز تو
خالقی: چن؛ نسخه‌ها: **ل، س، ق، ق^{۲}، لی، پ، و، آ، ب، ل^{۳}**
۱۱۳ بجستم **همی کفت ویال وبرت**   بدین شهر کرد ایزد آبشخورت
خالقی: کتف؛ نسخه‌ها: **ف، آ، س^{۲}**
۱۱۴ ترا ام کنون گر بخواهی مرا   نبیند **همی** مرغ و ماهی مرا
خالقی: جزین؛ نسخه‌ها: **س، لی، آ، ب**
۱۱۵ یکی آنک بر تو چنین گشته‌ام   خرد را ز بهر **تو آغشته‌ام**
خالقی: هوا کُشته‌ام
۱۱۶ و دیگر که از تو مگر کردگار   نشاند یکی پورم اندر کنار
۱۱۷ مگر چون تو باشد به مردی و زور   سپهرش دهد **بخش** و کیوان و هور
خالقی: بهرِ؛ نسخه‌ها: **پ**
۱۱۸ سه دیگر که **رخشت** به جای آورم   سمنگان **سراسر به** پای آورم
خالقی: اسپت؛نسخه‌ها: **ق^{۲}، لی، و، آ، ب**
خالقی: همه زیر؛ نسخه‌ها: **ق^{۲}، پ، و، آ، ل^{۲}، ب**
۱۱۹ سخن‌های گلرخ چو آمد به بن   سپهبد سراسر شنید آن سخن
خالقی: ندارد؛ نسخه‌ها: **ق^{۲}، لی، پ، و، آ، ب، لن^{۲}**
۱۲۰ چو رستم **برآن‌سان** پری‌چهره دید   ز هر دانشی نزد او بهره دید
خالقی: بدان سان؛ نسخه‌ها: **ل، ق^{۲}، پ، ل^{۲}، ب**
۱۲۱ و دیگر که از رخش داد آگهی   **نداد آنچ** فرجام جز فرهی
خالقی: ندید ایچ
۱۲۲ بر خویش خواندش چو سرو روان   خرامان بیامد بر پهلوان
خالقی: ندارد؛ نسخه‌ها: **ق^{۲}، لی، و، آ، ب**
۱۲۳ بفرمود تا موبد پر هنر   بیاید بخواهد ورا از پدر
خالقی: ندارد؛ نسخه‌ها: **ل، پ، ل^{۲}، ل^{۳}، لن^{۲}، س^{۲}، لی، و**
۱۲۴ چو بشنید شاه این سخن شاد شد   به سان یکی سرو آزاد شد
خالقی: ندارد؛ نسخه‌ها: **ل، پ، ل^{۲}، ل^{۳}، لن^{۲}، س^{۲}، لی**
۱۲۵ بدان پهلوان داد آن دخت خویش   بر آن سان که بودست آیین و کیش
خالقی: ندارد؛ نسخه‌ها: **پ، ل^{۲}، ل^{۳}، لن^{۲}، س^{۲}، و**
۱۲۶ چو بسپرد دختر بدان پهلوان   بدان شاد گشتند پیر و جوان
خالقی: ندارد؛ نسخه‌ها: **ل^{۲}، ل^{۳}، س^{۲}، لی**
۱۲۷ به شادی همه جان برافشاندند   برآن پهلوان آفرین خواندند
خالقی: ندارد؛ نسخه‌ها: **ل،ل^{۲}، ل^{۳}، س^{۲}، لی**
۱۲۸ که این ماه نو بر تو فرخنده باد   سر بدسگالا ن تو کنده باد
خالقی: ندارد؛ نسخه‌ها: **ل، ل^{۲}، ل^{۳}، س^{۲}**
۱۲۹ به خشنودی و رای و فرمان **او**   به خوبی بیاراست پیمان **او**
خالقی: اوی؛ نسخه‌ها: **ل، ق، ق^{۲}، لی، آ، ل^{۲}، ب**
۱۳۰ چو انباز او گشت با او به راز   ببود آن شب **تیره دیر و دراز**
خالقی: تیره و دیر یاز؛ نسخه‌ها: **ل، لی، ل^{۳}**
۱۳۱ چو خورشید تابان ز چرخ بلند   همی خواست **افشاند** رخشان کمند
خالقی: افکند
۱۳۲ به‌بازوی رستم یکی مهره بود   که آن مهره اندر جهان شهره بود
۱۳۳ بدو داد و گفتش که این را بدار   اگر دختر **آید بدان** روزگار
خالقی: آرد ترا؛ نسخه‌ها: **ف، ق^{۲}، لی، آ، ب، س^{۲}**
۱۳۴ بگیر و به گیسوی او بر بدوز   به نیک‌اختر و فال گیتی‌فروز
۱۳۵ ور ایدونک آید **ز** اختر پسر   ببندش به بازو نشان پدر
خالقی: از؛ نسخه‌ها: **ل، ق، ق^{۲}، لی، پ، و، آ، ل^{۲}، ب، ل^{۳}، لن^{۲}، س^{۲}**
۱۳۶ به بالای سام نریمان بود   به مردیّ و خوی کریمان بود
۱۳۷ فرود آرد از ابر پرّان عقاب   **بتابد** به تندی بر او آفتاب
خالقی: نتابد
۱۳۸ همی بود آن شب بر ماه‌روی   همی **رفت** هرگونه‌ای **گفت گوی**
خالقی: گفت؛ نسخه‌ها: **و**

خالقی: پیش اوی؛ نسخه‌ها: **لی**، **و**

۱۳۹ به بدرود کردن گرفتش به بر   بسی بوسه دادش به رخسار و سر
خالقی: ندارد؛ نسخه‌ها: **ق**^{۲}، **آ**، **ب**، **لی**، **پ**، **لن**^{۲}
۱۴۰ پری چهره گریان ازو بازگشت   ابا انـــده و درد انبـــاز گشت
خالقی: ندارد؛ نسخه‌ها: **ق**^{۲}، **آ**، **ب**، **لی**، **پ**، **لن**^{۲}
۱۴۱ چو خورشید **تابنده** شد بر سپهر   بیاراست روی زمین را به مهـــر
خالقی: رخشنده؛ نسخه‌ها: **ق**، **ق**^{۲}، **لی**، **و**، **آ**، **ب**، **ل**^{۳}، **س**^{۲}
۱۴۲ بر رستم آمد گرانمایه شاه   بپرسیدش از خواب و آرامگاه
۱۴۳ که‌شب چون بدی روز چون خاستی   شبستان مـــا را بیـاراستـــــی
خالقی: ندارد.
۱۴۴ چو **گفته‌شد این** مژده‌دادش به رخش   از او شادمان شد دل تاجبخش
خالقی: این گفته شد؛ نسخه‌ها: **ق**، **ق**^{۲}، **آ**، **ب**
۱۴۵ بیامد بمالید و زین بر نهاد   شد از رخش رخشان و از شاه شاد
۱۴۶ بیامد سوی مرز ایران چو باد   وزین داستان کرد بسیار یاد[26]
خالقی: شهر

داستان رستم و اسفندیار

۱ کنون خورد باید می خوشگوار   که می بوی مشک آید از جویبار
۲ هوا پرخروش و زمین پر ز جوش   خنک آنک دل شاد دارد به نوش
۳ درم دارد و نقل و **نان و** نبید   سـر گوسپـنـدی توانـد بریـــد
خالقی: جام؛ نسخه‌ها: **ق**، **ک**، **ل**^{۲}، **لن**، **و**، **ب**
۴ مرا نیست **خرّم** مر آن را که هست   ببخشای بر مردم تنگ‌دســت
خالقی: فرّخ
۵ همه بوستان **پر ز** برگ گل است   همه کوه پر لاله و سنبـل است
خالقی: زیرِ؛ نسخه‌ها: **س**، **ب**
۶ به پالیز بلبل بنالد همی   گـل از نالـهٔ او ببالـــد همـــی
۷ شب تیره بلبل نخسپد همی   گل از باد و باران بجنبد همـــی
۸ **من** از ابر بینم همی باد و نم   ندانم که نرگس چرا شــــد دژم
خالقی: چو؛ نسخه‌ها: **س**، **ک**، **ل**^{۲}، **س**^{۲}، **لن**، **ق**^{۲}، **لی**، **ل**^{۳}، **پ**، **و**، **آ**، **ب**
۹ بخندد همی بلبل از هر دوان   **که** بر گـل نشینـد **گشاده** زبـان
خالقی: چو ؛ نسخه‌ها: **ل**^{۲}، **پ**
خالقی: گشاید؛ نسخه‌ها: **س**، **ک**، **ل**^{۲}، **س**^{۲}، **لی**، **لن**^{۲}، **آ**، **ب**
۱۰ ندانم که عاشق گل آمد **کز** ابر   **گر** از ابر **یابم** خروش هزبـــر
خالقی: گر
خالقی: چو؛ نسخه‌ها: **س**، **ق**، **ک**، **ل**^{۲}، **س**^{۲}، **لن**، **لی**، **ل**^{۳}، **و**، **لن**^{۲}، **آ**، **ب**
خالقی: بینم؛ نسخه‌ها: **ق**، **ک**، **س**^{۲}، **ق**^{۲}، **ب**
۱۱ بدرّد همی **پیش** پیراهنش   درفشان شود آتش اندر تنش
خالقی: باد؛ نسخه‌ها: **ل**^{۲}، **س**^{۲}، **ق**^{۲}، **پ**، **و**: بیش
۱۲ به عشق هوا بر زمین شد گوا   بـه نـزدیـک خورشیـد فرمان‌روا
۱۳ که داند که بلبل چه گوید همی   به زیـر گل اندر چـه **بوید** همـی
خالقی: موید؛ نسخه‌ها: **لی**، **پ**، **ب**
۱۴ نگـه کن سحرگاه تـا بشنوی   ز بلبل سخـن گفتـن پهلـوی
۱۵ همـی نالد از مرگ اسفندیار   نـدارد جز از ناله زو یادگــــار
۱۶ چـو آواز رستم شب تیره ابر   بدرّد دل و گوش غـرّان هزبـر[27]

در پایان، در جدول زیر نشان داده‌ام که در هر یک از بخش‌های سه گانه، ضبط شاهنامهٔ بایسنغری در هر مورد چند بار با ضبط نسخه‌بدل‌های شاهنامهٔ تصحیح خالقی مطلق یکسان است. مثلاً در مقدمهٔ شاهنامه، ضبط بایسنغری ۱۳ بار با ضبط ل (بریتانیا مورَّخ ۶۷۵) مطابقت دارد و ۱۵ بار با ضبط س (طوپقاپوسرای مورَّخ ۷۳۱).

نشانهٔ رمز	دیباچه	رستم و سهراب	رستم و اسفندیار
ف	۱	۶	
ل	۱۳	۲۸	
س	۱۵	۵۰	۴
لن	۱۳	۳۱	۳
ق	۱۱	۳۴	۳
ک			۵
ق^{۲}	۱۳	۶۱	۳
لی	۱۸	۶۷	۴
پ	۱۸	۵۱	۴
و	۱۶	۳۸	۴
آ	۱۳	۶۱	۳
ل^{۲}	۱۵	۵۰	۶
ب	۱۸	۵۹	۷
ل^{۳}		۴۶	۲
لن^{۲}		۴۴	۲
س^{۲}		۳۴	۵

در ضمن این موضوع را نیز ناگفته نگذارم که تعداد ابیات در این سه بخش، در شاهنامهٔ مستوفی، شاهنامهٔ بایسنغری، و شاهنامهٔ خالقی مطلق به‌شرح زیر است:

شاهنامه	مقدمه	داستان رستم و سهراب	داستان رستم و اسفندیار
مستوفی	۵۸	۱۱۷	۱۵
بایسنغری	۶۷	۱۴۶	۱۶
خالقی مطلق	۵۹	۹۵	۱۶

---

[26] فردوسی، ۱۳۵۰: ۱۱۵ــ۱۱۷؛ فردوسی، ۱۳۶۹ــ۱۳۸۶، ۲: ۱۱۷ــ۱۲۵.

[27] فردوسی، ۱۳۵۰: ۴۰۴ــ۴۰۵؛ فردوسی، ۱۳۶۹ــ۱۳۸۶، ۵: ۲۹۱ــ۲۹۲.

کتابنامه

ـ آیدنلو، سجاد (۱۳۸۴ ـ ۱۳۸۵). «شاهنامه در سفینهٔ تبریز». نامهٔ بهارستان. س ۶ـ ۷، دفتر ۱۱ـ ۱۲: ۲۳۴ ـ ۲۵۳.
ـ سودآور، ابوالعلاء (۱۳۷۴). «ظفرنامه و شاهنامهٔ مستوفی». ایران‌شناسی. س ۷، ش ۴: ۷۵۲ ـ ۷۶۱.
ـ فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۶۹ ـ ۱۳۸۶). شاهنامه. به‌کوشش جلال خالقی مطلق. ۸ ج. نیویورک و کالیفرنیا.
ـ فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۵۰). شاهنامهٔ بایسنغری (چاپ عکسی رنگی). تهران: شورای مرکزی جشن شاهنشاهی ایران.
ـ قریب، مهدی (۱۳۶۲). مقدمهٔ داستان سیاوش. به تصحیح مجتبی مینوی. تهران: مؤسسهٔ مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
ـ مستوفی، حمداللّه (۱۳۷۷ش/ ۱۹۹۹م). ظفرنامه، به انضمام شاهنامهٔ ابوالقاسم فردوسی (چاپ عکسی). به تصحیح حمداللّه مستوفی.
زیر نظر نصراللّه پورجوادی و نصرت‌اللّه رستگار. ۲ ج. تهران، وین: مرکز نشر دانشگاهی و انتشارات آکادمی‌علوم اتریش.
ـ نظامی‌عروضی، احمد (۱۳۳۳). چهار مقاله. به‌کوشش محمّد معین. تهران: زوّار، چ ۳.
ـ یارشاطر، احسان (۱۳۶۹). مقدمهٔ شاهنامه. به‌کوشش جلال خالقی مطلق. دفتر اول. نیویورک.

Nameh-ye Baharestan: vol. 10, 2009, ser. no. 15

The First and the Second Editions of the Shāhnāmeh in the 8th and 9th Centuries A.H. (14th and 15th Centuries A.D.)

Dr. Jalal MATINI
(Prof. Emeritus of Mashhad University; Maryland)

Modern scholarship on the *Shāhnāmeh* hardly considers the *Shāhnāmeh*s prepared by Ḥamdollāh Mostowfī and by prince Bāysonghor as serious editions of the epic. Most contemporary editors of the poem regard these texts as unreliable. This is because the manuscripts used in preparing these editions have not been specified, nor does any of them provides any variants. However, the fact remains that these are older than the earliest editions of the poem that were prepared by European scholars by some four or five centuries. Furthermore, because those who prepared these texts were native speakers of Persian, their work is superior to the admittedly fine work of the western *Shāhnāmeh* editors.

The older of these editions was prepared by Ḥamdollāh Mostowfī, the prolific historian, geographer, and poet of the late Ilkhanid period, who completed his text between the years 714 - 720 A.H. (1314 - 1320 A.D.) in the city of Tabriz. One hundred and ten years later, and quite independently of his edition, another edition of the *Shāhnāmeh* was concluded in the city of Heart between 829 - 833 A.H. (1426 - 1430 A.D.), which is known as the Bāysonghorī *Shāhnāmeh*. The name or names of its actual editors are not known, but it was prepared under the patronage of prince Bāysonghor.

The present paper discusses the value of these two editions in *Shāhnāmeh* studies. The prefaces of these editions reveal that their editors had access to several old manuscripts of the poem. Three short parts of these two *Shāhnāmeh*s, taken from the poem's preface, the beginning of the story of Rostam and Sohrāb, and the opening of the story of Rostam and Esfandiyār have been compared to Professor Khaleghi-Motlagh's critical edition, and their variants have been listed. These variants have been compared with the critical apparatus of Khaleghi-Motlagh's edition. The comparison demonstrates that the text of these editions is closest to the texts of the British Library's *Shāhnāmeh* of 675 A.H. (1276 A.D.), the Topkapi Sarayi codex of 731 A.H. (1330 A.D.), and the Leningrad manuscript of 733 A.H. (1333 A.D.). It appears that those who prepared these editions have had access to either these codices or to manuscripts that were closely related to them.